

حکومت مسئول این مملکت و اقتدار آن بجائی رسیده است که يك اشخاص بی اختیار بدبختی که اینجا نشسته اند هیئت وزرای این مملکت هستند که علاوه بر نداشتن اقتدار از اطراف بدبختی آنها را محاصره کرده حتی اینکه شنیده میشود که از اطراف ولایات تلگراف میکنند و بآنها تهمت میزنند که هیئت وزراء میخواهند با اجانب سازند و استقلال مملکت ما را بفروشند و کارش را تمام کنند و مردم مملکت را میخورند پس خلاف یت عمده قبلی که اسم آنها را گذاشته اند هیئت وزرای مسئول میخواهند این هیئت وزراء در يك همچو موقع سخت و مشکلی برای آنها کار بکنند ملاحظه فرمائید فاصله چقدر است بنده عرض می کنم که در يك همچو موقع سختی که ارض طرفی اختلافات و اغتشاش در داخله هست و از طرف دیگر هم اجانب شامار محاصره کرده اند و قشون اجانب تا ۲۴ فرسخی پایتخت است و امروز تهدید میکند پایتخت شامارا در يك چنین موقعی عوض اینکه شما دولت خودتان را قسوت بدهید آنچه چه قدرتی يك قدرت فور العاده که با آن بتواند کار بکنند در يك همچو موقعی بر میدانند از اینجا تمام نقاط حتی با امریک تلگراف میکنند که هیئت دولت یول گرفته اند و با اجانب ساخته اند و میخواهند مملکت را بهم بزنند در يك همچو موقعی بدبختی برای يك مملکتی بزرگتر از این اضهارات و این تربیبات نمیشود این مسئله آمدم سر مملکت خارجی بعد از آنکه بنده آقصر عجز والعاج و استعفا کردم از آقایان و کلا که يك مسك خارجی معین کنید در صورتیکه آنوقت بترتیب اتخاذ این مسك خبلی سهل بود و ممکن بود که روابط ما خبلی بهتر از این باشد نشد که نشد و هیچکس با بنده مساعدت نکرد تا امروز که کار ما بجائی رسیده است که می بینیم يك قشون خارجی رسیده است تا (۲۴) فرسخ مملکت ما و تهدید میکند که مرکز حکومت ما را بیاورد اشغال بکند این مطالب مقدماتی بود که بنده عرض کردم که اگر شما امروز هم يك مسك خارجی و يك حکومت با اقتداری معین نکنید یعنی هر کسی را که طرف اطمنان شما است و میباید کار میکند کسی را که دیگر شما خجالت میکشید از اینکه او را تهمت بزنید یا با او بیادید و اگر او را آوردید وزیر کردید دیگر خجالت نکشید از اینکه باو تهمت بزنید معین بکنید و مملکت را بدست او بدهید و بالاخره اگر يك حکومت مسئول و مقتدری درست نکنید و يك چنین حکومتی تشکیل ندهید بنده از تصور خطراتی که بر آن مترتب خواهد شد بر خود میهرزم و نمیتوانم عرض کنم که چه مفاخره در پیش داریم و نمی توانیم بآن نفوذ بکنیم این مقدمه عرض بنده بود و اما مسئله مبنای همروزی او لیتما توه هستند اولاً از عرض می کنم که آقایان هم مسبوق هستند اولاً از تاریخ وصول این اولیتما تم مسبوق هستند که به ترتیب رسید وجه ترتیب شده است و از بعضی اقداماتیکه وزارت خارجه کرده است چه از حیث تلگرافاتی که بنقاط لازم کرده است وجه از حیث مذاکره با سفرا و بعضی از نمایندگان محترم هم در مجلس خصوصی که در این خصوص مذاکره میشد مسبوق هستند بالاخره يك پیشنهادی هیئت وزراء کردند بجلسو

ما برای تغییر شرایط اولیتما توه میگردیم آن ها اول داخل مذاکرات نمیشنند و میگفتند اولیتما توه تغییر پذیر نیست وقتی که کار يك دولتی پارلیتامنت رسید دیگر نمیشود داخل مذاکره شد که اولیتما توه را تغییر بدهند یا باید جمعاً بپذیرند یا رد کنند ولیکن با وجود این ما از راههای غیر مستقیم داخل مذاکره شدیم در خصوص عزل مستر شوستر عرض کردم نیت دولت این بود که تغییر بنده ولی موفق نشد در باب شرط ثالث که مسئله خسارت باشد اقدامات خبلی شد و فعلاً از آن اقدامات تا این اندازه اطمینان حاصل شده است که آن خسارت يك مبلغی نخواهد بود که خارج از اندازه استطاعت مالیه ایران باشد و از حیث مبلغ و پرداخت برای دولت ایران خبلی چیز سهلی خواهد بود نه اینکه يك چیز سختی باشد ولیکن در خصوص شرط دوم که مسئله مستشارها باشد با اینکه مذاکرات خبلی با کمال جدیت کرده اند و با کمال تنیدی تعقیب شده بود چه در تهران و چه در جاهای دیگر ولی هنوز يك فایده آن مینماید شده است که پیشنهاد اول روس ها تحصیل رضایت از دولتین بوده است و عجاتاً این مطلب تغییر داده شده است باینطور که منوط تبادل عقیده بین ۳ دولت باشد یعنی بعد از آنکه لازم شد در يك موقعی که دولت از خارج هستشاری استخدام نماید سه دولت بنام تبادل افکار بکنند ولی این را هم عرض میکنم که بنده این را چندان تفاوت بزرگی با این مسئله اولی نمی دانم و همین ملاحظه هنوز در این خصوص اظهار رائی نکرده ایم مقصود این است که مذاکرات با این رسیده است ولیکن در مقابل این تقاضا ها يك اظهاراتی هم از طرف دولت شده است از آن اظهارات آنچه بنده میتوانم عرض کنم یکی اینست که بعضی اینک موافقت حاصل شد فوراً دولت روس قشون خود را مراجعت دهد این مسئله را ابتداءً امتناع میکردند که ما نمی توانیم بپذیریم و میگفتند ما نمیتوانیم قشونی را که با اینجا آورده ایم برگردانیم شاید يك اتفاق دیگری بیفتد ما بآنجا اطمینان دادیم که اتفاقات دیگری نخواهد افتاد این بود که آنها هم حاضر شدند که بعد از موافقت قشون خودشان را ببرند و يك مسئله دیگر هم تو همی بود از طرف دولت که شاید بعد از قبول این شرایط يك تقاضاهای دیگری هم از دولت روس بشود و خبلی محل نشویس بود از این حیث هم اطمینان حاصل شد که هیچ تقاضا و شرایط دیگری نخواهد بود و غیر از این تقاضاهایی که شده است دیگر تقاضایی نخواهد شد و فعلاً مینماید اقدامات شده بود بنده عرض کردم و فائده این مذاکرات این شد است که قشون وارد پایتخت نشده است حالا اگر این مذاکرات را هم قابل فائده نمیدانند اختیار با نمایندگان محترم است ولیکن این را عرض میکنم که اگر بیشتر از این انتظار تعویق بیفتد وزراء دیگتر نمیتوانند مسئولیت اصلاح و عدم وقوع بعض خطراتی دیگری را بگردن بگیرند اینست امروز در این مجلس هلنی با حضور آقایان است هستند برای اینکه این هیئت وزراء مسئولیت را از گردن خودشان بردارند عرض میکنم اگر امروز نشینند و يك تصمیمی در

خصوص تکبید هیئت وزراء هم مسئول نخواهند بود و بیشتر نمیتوانند از این مطالب جلوگیری بکنند و از روی اوراق اعمال آنها معلوم خواهد شد و حاضرند ثابت بکنند که در تمام و اصلاح و انجام اینکار از وظیفه و تکلیف خودشان با این اختلافاتیکه از طرف بعضی ها تولید شده است کوتاهی نکرده اند و باز هم این را بنده در خاتمه عرض خودم عرض میکنم که امروز ایران در يك بحران خبلی خبلی بزرگی است فقط مسئله بحران خارجی نیست بلکه يك بحران خبلی بزرگ داخلی را هم دچار شده است و اگر آقایان درست ملتفت این بحران نشوند و تفهمنند که علت این بحران چیست بالاخره این مطلب که امروز يك حکومتی (دسیلینه) لازم است که مقتدر باشد که قوتش نفوذ داشته باشد آنوقت دچار يك بحران های خبلی خبلی سخت نمیشوند که دخالت خارجی در آن بحران خبلی بیشتر از اینها خواهد بود و بهمین جهت بر حسب مسئولیتی که بنده و این هیئت وزراء داشتیم تکلیف خود مینماینم که این عریض را عرض کنم -

آقای شیخ محمد خیابانی - به آقای وزیر - امور خارجه مطالبی فرمودند که لازم بود یادداشت بشود و یکی یکی هم صحبت بشود ولی از پیش مسبوق نبودیم و حالا هم که نمیشد مشغول یادداشت کردن باشیم این است که هر چه نظرم میرسد عرض میکنم سه مطلب عمده را عنوان کردند اولاً شرحی از آملن محمد علی میرزا و نتیجه نگرانی خودمان بیان کردند بنده در پیش خود لازم میدانم این مسئله را تشریح بکنم اولاً این مجلس را خبلی خبلی باید تقبیل بکنیم که همچو جلسه تشکیل شد که بعضی مطالب را اگر هم تمام نکوئیم بعضی اشارهها بکنیم به محمد علی میرزا آمد باین مملکت اما چطور شد که آمد اگر بخواهیم تفصیل بدهیم نه این کابینه سابق بلکه کابینه اسبق او دچار بعضی اشکالات میشود اگر در مملکت ما مجازات میشود و مجازات را دخیج نکرده بودند کارها باینجا نمیکشید و تا این مجازات مقدس در این مملکت بعمل نیاید کار از پیش نبرود ولی چه فایده که در این مملکت منسوخ شده است محمد علی میرزا نمیتوانست باید کار از پیش نبرود ولی چه فایده که در این مملکت منسوخ شده است محمد علی میرزا نمیتوانست با این مملکت وارد شود اگر هشت ماه تمام قبل از این می نوشتند که محمد علی میرزا متلا مشغول بعضی تربیبات است بدبختانه دولت ما مشغول هیچ کاری نبودند نمیگویم این کابینه چون این کابینه آنوقت روی کار نبود باید خبلی تشکر بکنیم از این کابینه از آن جنگها و اقداماتیکه برای رفع محصلی میرزا و سالارالدوله کرد ولی مجبور می بینم خودم را که بگویم آنطوریکه صلاح يك مملکت و يك دولت وطن پرستی بود نکرده اند اقدامات کردند ولی ناقص کردند از جمله نواقصی که باید اشاره بکنیم که محض ادعا نباشد این است که در کجای دنیا دیده شده است که يك قشونی بیاید در هشت فرسخی پایتخت و دولت اقدام نکند و آن قشون را مغلوب نکند بطوریکه هیچ قشون مغلوبی چنین مغلوبیتی را ندیده ولی ما بدبختها میشویم که چهار فرسخ یا دو فرسخ هم آنها را تعاقب نکنند که لااقل آن بقیةالسیف گرفتار بشوند و دیگر نتوانند برای

خودشان يك تدارك تازه بکنند همانجا در (ورامین) شکست با آنها دادند و برگشتند آمدند اینجا همینطور در باره سالارالدوله دیدیم که دوسه دفعه جنگ کردند و آن اقداماتیکه قشون دولتی در همه جا میکنند دیدیم که نشد فقط شکستی دادند و بانصد نفر هزار نفر مسلمان از دو طرف بقتل رسید و آن ماده فساد که باید تعقیب بشود نشد که سه ماهه که گذشت باز همان اوضاع سابقه پیش آمد سالارالدوله هم مثل نایب حسین کاشی که دزدی است نهایت دزد (۸۰۰) نفری تعقیب نشد و رفت برای خودش قوم جمع کرد و خود محصل میرزا آن شکستی کدر دوجای مازندران خوردند شکست فاحش تاریخی بود ولی بعد از آن شکست سردار آن قشون باز مازندران رفت و آن جاهائی را هم که باید بدست بیاورد بدست آوردند و تصرف کردند و چیزی نمانده بود که محمد علی میرزا اسسش که از این برود ولی آن سردار بیچاره بدبخت دوسه ماه هر چه فریاد کشید که من در اینجا قوام کم است محمد علی میرزا مشغول جمع کردن قشون است میدانیم که هیچ مساعدتی با او نشد و قشون فرستاده شد این را خود وزراء باید تصدیق بفرمایند حالا کار بجائی رسیده که باینطور گرفتار شدیم که محمد علی میرزا دوباره آمده است و تر کمان دامغان را هم تصرف کرده است و طرف سنجان میآید اینجا هیچ تقصیر این و کلاه نیست بعد این و کلاه یک تقصیری نمیتواند بگردن بگیرند که چرا هیچ از وزراء استیضاح نکرده اند اگر در مقابل این تقصیر يك اقدام از وزراء بشود و بیابند دریای این (طریبون) من نمیگویم تمام وزراء اینکه وزراء گفته میشود شاید از بعضی از آنها قصوری شده است اگر بیابند اینجا بگویند این چیزها کشده است شما چرا از ما مواخذه نکرده استیضاح نکرده بنده آنوقت میتوانم بگویم که بنده این تقصیر را و کلا که کرده اند اما چرا نکرده ایم آنوقت میگویم پس این مقدمه آمدن محمد علی میرزا که چرا آمده است پس نمیتوانید بگوئید که تقصیر از شما است آمدیم بر سر دولت مقتدره که بعد از آن آن مسائل خارجی را فرمودند و بعد از آن مسئله پیشنهادها را اما فقط حکومت مقتدره را چیزی است که چند ماه است بلکه از اول مشروطه در این مملکت نسو کرده اما هیچ وقت در اینجا من نشیدیم که واقماً صراحتاً يك چیزی بفرمایند تا توه مقلنه و مت بفرمانند که مقصود از آن چیست و چه میخواهند و منتها این کابینه را عرض نمیکند تا حال هر کابینه هم که تشکیل شده است باینطور گفته است و باینجهت آمده است بعضی اجازات از مجلس گرفته است چه اختیاراتی؟ اختیاری که در هیچ جای دنیا بهیچ کابینه ندادندند همچو اختیاراتیکه در این مجلس داده شده است که عبارت از (۱۳) ماده (۱۱) ماده دهم ماده یکماده که مکرر در مکرر داده شده است و تا حال مقصود را نفهمیدیم که آن حکومت مقتدره که از خارج هم میشوند در بعضی مقامات رسمی خارجی صحبت میشود که بدبختانه وزیر امور خارجه مانیاستی تصدیق بکند که بنده در سهم نمایانگی خودم میخواهم يك شرحی بگویم و تکبید بکنم آنرا را بلکه وقتی در این مملکت تقریباً از صدسال قبل بلکه از بدتر يك حکومت مفتخراری بود که حکومت فاجار و ما قبل او باشد و مختصری

از اواخر مظفرالدین شاه و زمان محصلی میرزا دیدیم آن اختیاراتیکه آن حکومت داشت از اختیارات خداوند هم بالاتر بود زیرا اختیارات خداوند در ظل استعمال نمیشود میدیدیم که خارجه ساکت بودند هیچ وقت نیگفتند در ایران يك حکومت مقتدره لازم است یعنی تصدیق میکردند که آن حکومتی که بود مقتدره بود و خبلی خوب بود ولی مقتضیات و پیشرفت کار عصر حاضر و تمدن دنیا چنین اقتضاء میکرد که آن حکومت ظالمانه که بود بتصدیق تمام عالیمان مایش با آن بزیم و آنرا اگر توانستیم از روی زمین برداریم بعد الله این ملت ایران موفق شدند و آن حکومتی را که خارجه ها تصدیق میکردند و شاید در مملکت ما هم بعضی آرزوی آنرا دارند آنرا برداشتیم حالا به بینیم حکومت مقتدره که عنوان میشود العباد باث که بنده چنین نسبتی بوزرای حالبه بدهم ولی مقصودم این است که مطلب وقتی برده دار شد مخاطب هیچ چیزی نمفهمد باید شرح بشود اگر يك حکومت مقتدره که هر چه بخواهد بکند ما باید داشته باشیم پس چرا اینقدر مسامانه کشته میشود و حال آنکه اگر انگشت يك نفر مسلمان خراشیده بود پیش خدا چقدر عظمت دارد پس چرا آنقدر ها روی خاک بیفتند چقدر عصمتی بر باد برود و چقدر مالها را ببرند پس مقصودشان آن حکومت مقتدره که هر چه بخواهند بکنند نیست پس معلوم است آنرا نخواهند گفت که آن شکل حکومت مقتدره باشد آمدیم بر سر اینکه يك حکومت مقتدره بخواهند که در ممالک مشروطه است و گویا آن را آرزو دارند اولاً این را باید دانست چون در ضمن بعضی صحبتها شنیده ایم اگر هم گفته نشده باشد باید تقدیرش را بکنیم و جواب او را هم بگوئیم و باید گفته شود که در ممالک دنیا خبلی مملکتها مشروطه است و مشروطه در همه جا بسبق واحد نیست يك مشروطه است که پادشاه در آن مملکت اقتدارش خبلی زیاد است بیکجا هم مشروطه است که منتشان هم فرد اقتدارت را در دست دارند کدر مقابل مجلس کار میکنند و رأی میدهند اینها مطالبی نیست که بنده حالا بخواهم شرح بدهم حالا اگر آمدیم گفتیم که ما مشروطه هستیم و تصدیق بکنیم بشروطیت خودمان بعد از آن باید تصدیق بکنیم که يك مشروطه هستیم ما بطوریکه در قانون اساسی وضع شده و هیچ نباید از سرحد ایران یا بیرون بگذاریم یعنی مقنن ما با کمال عمل و قراست نشسته اند و این قانون اساسی را نوشته اند و يك اندازه هم از خارجه اقتباس کرده اند و در ایران يك مشروطه تاسیس کرده اند که قانون اساسی حاکی از آنست و هر چه میشود در این مملکت تا آن قانون اساسی نسخ نشده باید از روی آن باشد پس اختیاراتی که دولت ایران میتواند داشته باشد از شاه گرفته تا آخرین نقطه که پلیس و سرباز باشد باید از روی آن قانون اساسی باشد که چه اندازه میگویند اختیارات بدولت بدهند یعنی اختیاراتی را که دولت میخواهد و غالباً مجبور شده ایم آن اختیارات فوق العاده را بآنها بدهیم چه اندازه است آن اختیارات در قانون اساسی معین میکند آقای نایب السلطنه که اول شخص عالم است در این مملکت خودش ملتفت است و همیشه میگوید که من مسئول نیستم این را کسی نمیتواند بگوید که انگلیس هم مشروطه است و قلاتقدر اقتدارت بجکومتش

داده است بجهت اینکه در مملکت مآخیزات و وزراء محدود و در قانون اساسی معین است در مملکت مشروطه ایران هفت هشت نفر وزیر باقتضای وقت معین میبکنند آیا اینها چه اختیاراتی باید دارا باشند آن اختیاراتی که مجلس شورای ملی بآنها میدهد غیر از آن اختیاراتی که مجلس شورای ملی میدهد هیچ اختیاری دیگری ندارند مجلس بجهت ترتیب آن اختیارات را میدهد مجلس قانون وضع میکند وقتیکه قانون وضع نشده است بکنایات قانون اساسی باید عمل بکنند صکه اجمالش معین است و بنده هم اجمالاً اشاره خواهم کرد آن چیزهایی را که قانون تا بحال معین نشده هنوز موقش ترسیده است والا کی شده است در این مملکت هیئت وزرائی تشریف بیاورند و یک لایحه پیشنهاد بکنند که اگر آن قانون رد بشود نمیتوانند دخالت بکنند در امور مملکتی یا اگر این قانون وضع بشود برای وزراء اختیار باقی نماند در این دوره دو ساله که از دو سال هم گذشته است بنده چنین چیزی ندیدهام حتی آ. اختیاراتی هم که فوق قانون است خواسته اند محض آنکه تکوین اختیارات ندارند آن اختیارات را مجلس داده است پس اختیاراتیکه وزراء باید داشته باشند این است که توانایی وضع میشود و از روی آن قوانین وزراء عمل میکنند شاید مثلا بر مابند بعضی چیزها هست که تا وقتی که قانون برای آنها وضع بشود طول میکشد یا ربط بقانون ندارد یا بعضی چیزهایی که از امور عادی نیست و فوق العاده اتفاق میافتد بدینجهت ما میبینیم که با آن تشکیکی که و کلیاً بجای آن امور داشته با آن مواظبتی که کلای بدبخت بیچاره داشتند که آن امور اجرا بشود از قبیل تلبه اشراق و مفسدین و از قبیل جلوگیری بعضی از مواد فسادیه که قانون آن مسام در تمام دنیا هست که احتیاج بوضع قانون ندارد اینجا میتوانم بگویم که از اول تاسیس مجلس که وزراء روی کار آمدند تا بحال که این هیئت وزراء اینجا نشسته اند هیچ ندیدهام مقصوری را که قانون هم در حق او وضع شده اجراء بشود همیشه دید، ایسم جس خانهها یر شده است از مقصرین و بعد شنیده ایم که آنها مرخص شده اند و رفته اند و هیچوقت ندیده ایم که قبل از وقت که آتش فساد دارد شعله ور می شود یک آبی بآن پاشیده شده باشد پس قصوریکه در اعمال دولت شده است از طرف مجازر نشده است ملت هم که نباید دخالت بکنند پس اینها نشده است مگر از طرف دولت و اختیاراتیکه میخواهند بوزراء داده شود که آن اختیار بر گردد باشکال اختیاراتی که محمدعلی میرزا داشته است که در ضمن صحبت باید بگویم که یک شش هم آن است او را هیچوقت نباید وزراء تقاضا بکنند و کلام نخواهند داد اهالی مملکت هم حاضر نمیشوند و نخواهند ولی بدینجهت از آن اختیارات هم استعمال میشود در این مملکت عوض اینکه افسد را بقصد دفع بکنیم حرف زده ایم و مملکت را حفظ نکرده ایم که میبینیم تمام مملکت شاهد است با این وضع و حالت هیچ سؤال و استیضاحی نشده است در این مملکت دیده ایم که بعضی کارها مخالف صریح قانون اساسی شده است که مجلس در آنجا بطور غیر رسمی مداخله کرده است و نخواسته است که وزراء را بیاورد اینجا مواخذ بکند یسکی

از آن بدینجهت ها این مسئله اولتیماتوم که آمد بهمان ترتیبی که همه میدانند مسئله اولتیماتوم چیزی بود که واقماً باید نظر عموم ملت در آن باشد و مجلس هم دخالت کرد در این مسئله و رای مجلس هم معین شد یعنی او را رد نکرد بعد از آنکه رای مجلس معلوم شد بامر ریاست مجلس بولایات و سایر جاها تلگراف شد راجع باولتیماتوم روس و در سایر جاها هم تلگرافاتی که میرسد آقاییان در مجلس و خارجیها در روزنامه جات مبینند که این تلگرافات چقدر اثر کرده است و خیلی باید تشکر کرد از هیئت دولت یعنی وظیفه شان این بود که قبل از وقت و پیش از رسمی شدن این خبر اولتیماتوم منتفت شدند و سفارش کردند که ماهر تلگرافی که راجع باولتیماتوم مخابره بشود مانع نباشند اینها را از طرف دولت باید بدانیم که در این جا یک مصالحتی نکرده یعنی دولت مداخله در این کار نداشت ولی امروزه میبینیم بعضی تلگرافات راجع باولتیماتوم منها عرض نمیکند راجع بامور دیگر مملکت بعضی تلگرافات لازم است مخابره بشود مثلا آذربایجان امورش تنها راجع بخارج نیست بعضی تلگرافات دیگر هست که میبینیم راجع بامور داخلی است و از طرف دولت جلوگیری و توقیف میشود بنده اینجا میخواهم خیلی در این باب تفصیل بدهم این یک مسئله خصوصی است که باید مواظب شود بنده میخواهم بدانم که این قبیل اختیارات است که میخواهند که از زمان محمدعلی میرزا چنانچه تلگرافات توقیف میشد در این زمان هم توقیف بشود و هیچ کسی حرف نزنند باین قبیل اقتدارات مجلس راضی نخواهد شد که این اقتدارات را بدهد این مسئله را اگر بخواهم عنوان کنم میبینم که باید خیلی طول بدهم عجلتاً نمیکند و عرض میکنم که اختیارات و اقتداراتی که برای دولت میخواهند اگر اینست که میخواهند یک دولت مقتدره موافق اقتضای این دوره تشکیل بشود این هم که نشده است و محض استحضار خاطر عموم عرض میکنم که شاید از دو کلاه وزراء هم باشند که بگویند مقتضی وضع مملکت است که یک کابینه که دارای اقتدارات باشد که مجلس تمام اختیارات را بآنها بسپارد و آن وزراء بروند کار بکنند و کلام بروند استراحت بخواهند این نمیشود مگر از روی یک مسلک صحیحی که وزراء داشته باشند و کلاه هم همان مسلک را داشته باشند در ظرف این دو سال ماندم که هشت نفر وزیر منتخب شونده و یک مسلک صحیحی داشته باشند که موافق باشند با یک فرقه که آن فرقه مسلک مستقیمی دارند که در تمام امور خارجی و داخلی باید از روی آن مسلک کار بکنند اگر میشد آن وزراء حق نداشتند که بیابند شکایت کنند از ادارات دولتی همیشه وزراء که روی کار آمده اند اگر هم مسلکی در کار بود یسکی دو نفر از روی یک مسلکی بوده اند دیگران هیچ صاحب مسلک نبوده اند همینطور مختلط شده اند و آنها که عیوبات را می بینند و میل دارند که موافق مشروطیت در این مملکت هر حکومتی که نبات داشته باشند در آن باشند آنها خودشان اقرار خواهند کرد که تقصیر آن همراهان خودشان است آقای وزیر امور خارجه که این مسئله را عنوان میکند بنده میتوانم تقدیس بکنم ولی عرض میکنم که بیاورند شش هفت وزیر همرا

خودشان که بنده بیینم تمام نکات سیاسی و پلتیکی و مسلکی را ملتقت هستند آن وقت بنده انترام می دهم که اقلاً دو سال سه سال در این مملکت بتوانند کار بکنند و بنده نیخواهم از نزاکت خارج بشوم (ولی چکنم آقای وزیر) یک نکته اعتراضی فرمودند مقصود از آن اعتراض غرض است اگر آن غرض میا خود وزراء معمول نشود اگر آنطور وزراء آوردند بچجلس بنده اطمینان میدهم از طرف مجلس که و کلاه کمال مساعدت را بکنند که بتوانند دوسه سال در این مملکت وزارت بکنند بی مواخذ ولی بدینجهت اینطور نیست باید سؤال کنیم استیضاح کنیم اما آمدیم بر سر مسئله روابط خارجی بنده هیچ حاضر نبودم که آقای وزیر امور خارجه این مسئله را در اینجا مکرر در مکرر اظهار بکنند چرا بواسطه اینکه همین آقای وزیر امور خارجه بودند که تقریباً یکی دو ماه پیش از این وقتیکه وزراء میخواستند پروگرام خودشان را تقدیم مجلس بکنند همین آقای وزیر امور خارجه مدافع بودند از یک ماده که ماده دوازدهم یا یازدهم بود که بنده یک مقداری اشکال کردم و مدافعه کردند که مقصودمان اینست که روابطمان را با خارجه استوار و محکم بکنیم و بنده آنجا عرضی کردم که مقصود از روابط خارجه در اینجا که میفرمایند باید یک مسلک خارجی باشد این آبا تکلیف فرد فرد ملت است یا تکلیف مجلس است یا تکلیف وزراء است این مطلب باید معلوم بشود که این تکلیف وارد یکی است سابق یک چیزی سر بسته آورده بردند اینجا باید ما یک مسلکی اتخاذ کنیم که روابطمان با خارجه محکمتر و استوار باشد و مجلس هم رای داد اگر بفرمایند یک چیزی آورده باشند بچجلس و مجلس رد کرده باشد بنده تکذیب می کنم کی آورده اند اینجا یک معاهده نامه یا یک مقاله نامه یا یک قانونی که راجع بروابط خارجی باشد که همچو قانونی برای مملکت مالازم است که وضع شود یا مقاله نامه تهیه شود کی آمد اینجا که وارد کردیم و قبول نکردیم هر وقت بعنوان کلی خواه کابینه سپه دار باشد خواه کابینه آقای صمصام السلطنه باشد که خود آقای وزیر امور خارجه در ایندمه اخیر مدافع آن پروگرام بودند هر وقتی بتوان کلی یک لایحه و پروگرامی می آوردند که باید رابطه ما مستحکم و استوار باشد با اینکه میدانستیم که این بنا خواهد شد با این وصف باز رای دادیم و قبول کردیم که باید اینطور باشد و منتظر بودیم که جزئیات او را بیاورند که یارده کنیم یا قبول وقتیکه نیاوردند گویا انصاف حق ندیده که بگویند شما روابط خارجی را درست نکرده اید روابط خارجی وظیفه وزیر امور خارجه است که یک لایحه درست بکند بیاورد کمیسیون خارجه که داریم آنها هم نظریات خودشان را میبکنند و میآورند بچجلس و از مجلس میگذرانند همچو چیزی که در این مملکت نشده است پس این اعتراض بر ما وارد نیست و بنده محض اینکه وقت آقاییان دیگر رامزاحمت نکنم از این هم میگذرم و عرض میکنم که در باب رابطه خارجه از طرف مجلس قصوری نشده است ولی اگر از طرف وزراء وظیفه قانونی عمل میشد و کلاه هم همراهی میکردند و تا امروز هم نشده است که ما بنهیم که مقصود از این رابطه خارجه چه چیز است بنده که یکی از دو کلاه هستم نباید بدانم

که چیست ؟ چنانچه امروز آنرا علنی بطور کلی اظهار کردند بفرمایند که روابطمان بچه شکل باشد تا بنده همراهی و تصویب بکنم تا اینکه رابطه ما محکم باشد علاوه آنروابطی که تمام منصفین دنیا تصدیق کرده اند که ما این دولت باید باشد تمام محکم است و آنهایی را که میگویند محکم نیست با ظلم میشود تقصیری نداریم اما آمدیم در خصوص مسئله اولتیماتوم در خصوص اولتیماتوم عقیده مجلس چنانچه یکی از آن ناطقین آن روز بنده بودم معلوم نشد و عرض نکردم استقلال مملکت یک چیزی نیست که ما بتوانیم بیل خودمان بدهیم اما در مسئله مستر شوستر آقای وزیر امور خارجه بعضی تندیها فرمودند که گویا نسبت داده شده است که وزراء قلیاً مسایل هستند و روسها هم استرداد نمیکند اولاً این را عرض کنم چون آنروز در مواد اولتیماتوم بنده چیزی عرض نکردم تنها شوستر آمریکائی که خزانه دار کل ما شده است نیست با چند نفر امریکائی دیگر و تنها اختیاراتیکه بشوستر داده شده است که عبارت از سیزده ماده است آنهم نیست که شکایت از آنها هم بعضی اوقات میشود اینترام مقدمه بنده عرض میکنم که آنروز که در آن سیزده ماده رای گرفته میشد بنده ورقه آبی دادند امتناع هم که از عادات این مجلس است و گاه میشود که رای ندیده اند نکرده اند بلکه رای دادند که این سیزده ماده اختیار بیاید امروز بشوستر داده شود و بعضی دلایل داشتند که در خارج هم با و کلاه صحبت کرده بودند پس بنده چندان مدافع آن سیزده ماده نبودم ولی امروز از شوستر با کمال جدیت مدافعه میکنم و راضی نیستم که از اختیارات او بکند هم کاسته شود یا العباد بالله او از این مملکت برود در او یک نظرات دیگری دارم و آن اینست که اولاً تشکر میکنم از اقدامات مستر شوستر که او آمد و آن اقدامات را کرد بجهت اینکه قبل از آنکه وارد یک مملکت بشود و بعضی اختیارات بگیرد آن جریره و اقدامات او را ندیده بودیم و همین قدر از خارج شنیده بودیم که این شخص عالی مقدار است ولی بعد دیدیم که خیلی قابل ولایت و عالیقدر است و اینکه آقای وزیر امور خارجه فرمودند که گفته شده وزراء در این مسئله همراه هستند بنده تکذیب میکنم چنین چیزی گفته نشده است و نمیتوانم اینرا تصدیق بکنم که همچو چیزی گفته شده باشد که وزراء همراه باشند چون خیلی بدنتی اعتراض کرده اند بنده ناچارم که بمقتضای دینم و آئینم اسلام بتم ایرانیم بگویم که همه وزراء مخالفت نکرده اند و نمیگویم که کی مخالفت کرده است و میدانم آن اقداماتیکه شوستر میکنند منافع بعضی بر میخورد و آنها راضی نیستند و جمان من حکم میکنند که بگویم اگر نکونیم پیش وجدانم و پیش خدا مقصر هستم و اینرا همه دیده اند و بنده تنها نمیگویم و گمانم اینست که هیچکس از آن مسئله بی اطلاع نباشد همه میدانند همچو چیزی نیست شوستر در این مملکت چه کرده است از آنروزیکه شروع شده است در دفع محمدعلی میرزا آنچه شنیده شده گویا چهار کروار و دوست هزار تومان پول داده است هر وقت تقاضاهائی شده است بترتیب داده است نهایت هر وقت که یک ورقه درخواستی که فرستاده اند توضیح خواسته است که من بدبخت که از آمریکا

آمده ام اینجا میدانم این پول برای چه مصرفی است اینرا توضیح خواسته است و با این فشارهایی که از طرف محمد علی میرزا باین مملکت داده میشد اگر با آن تندی که او می آمد از طرف شوستر پول داده نمیشد دفع شر او نمیشد معلوم میشود که او در پول دادن هم خیلی تند است منتهی با حساب داده است و خیلی هم رسیدگی میکند این تقصیر شوستر شده است بنده آنچه حس کرده ام قبل از آنی که روس این اولتیماتوم را بکند قبل از آنکه این صحبت ها بشود بنده شش هفت ماه است این را حس می کنم که همیشه اصلاحات را که می خواسته ایم از وزراء می گفته اند که شوستر پول نمیدهد من باب مثل عرض میکنم خیلی هم دور از مثل نیست نگویند مثل است مثلا رفته ایم در هیئت وزراء که در تیریز میگویند برای اینکه برویم جنک و برای اشخاصیکه باید دو سنگر جنک کنند هزار قبضه تفنگ لازم است که از ذخیره بردارند قذغن کنند ما نمائند آنوقت میگویند که شوستر پول نمیدهد آنوقت بنده حس میکنم که اگر مخالفی در همه باشوستر نبوده است در بعضی اینها دیده ام بنده است آنچه هم که گفته شده که در خارج اظهار داشته باشد زیاد از این نیست که بنده در اینجا حس کرده ام هر کس که میدانند این چیزها را و با وجدان باشد تصدیق میکنند که اینطور بود اما اینکه روس دست بر نمیدارد از این تقاضای اولش که برداشتن شوستر است و آنروز هم در مجلس رد شد مسمم است شوستر تنها یک نفر امریکائی شوستر نام نیست که دست بردارد شوستر اقداماتیکه کرد اگر دو سال دولت همجواری با مهلت میدادند و این اندازه فشار نمیآوردند و در داخله هم تحریکات نمیشد بعد از دو سال مایه ایران بشکالیاتی میشد (بنده که آن اندازه اطلاعات ندارم) آنها اینکه اطلاع آنها زیادتر است میدانند که مالیات ایران یک مایه میشد که نمیتوانم تجدید بکنیم یک مایه میشد که تمام دنیا تصدیق میکردند همبقتدر میگویم چون می بینند مایه ما دارد رو بترقی میگذارد و هر دولتی که بخواد ترقی بکند از راه مایه میتواند ترقی بکند و همه ترقیها از روی ترقی مایه است اینست که دولت بهیته روسی دست بر نمیدارد و فهمیده است که ما میدانیم که شوستر تنها یک نفر امریکائی نیست شوستر یعنی اصلاح مایه ایران البته دست بر نمیدارد ما هم میگویم چون ما در این آب و خاک زندگی میکنیم و هر صاحب حسی که در یک آب و خاک زندگی میکند باید در آبادی آنجا بکوشد و آنجا را مالک بالاستحقاق باشد هیچوقت ممکن نیست که بیایم باختیار خودمان دست از اصلاحاتمان برداریم و نباید یک نهمی بکنیم یا یک دولتی که هیچ ممکن نیست و خیالش هم بقوه متغیله بنده نمیگذرد و اینجا هم میگویم که ملت مجبور ما بشوند مسئله مستر شوستر (یعنی اصلاحات مایه) چرا ؟ یعنی اگر شوستر از این مملکت رفت و دیدند که بتهدیبات دیگران میشود یک نفر اصلاح کن را از مملکت برداشت دیگر مثل شوسترها در این مملکت نخواهند آمد مثل دیگران میشوند که باید مهمل باشند پس شوستر یعنی اصلاحات مملکت اما آمدیم بر سر مسئله نالت که میفرمایند کار بیگجائی رسیده است که چندان برای ایران سخت نیست و

سهل است از اول هم گویا بنده که یکی از و کلاه هستم میدانستیم که دولت روس بکندری پائین میاید و علت او را هم در اینجا نمیگویم و علت او را هم دیپلمات ها بهتر میدانند که پائین خواهد آمد اما مسئله دوم که اینجا سوم میشود مسئله مستخدمین خارجه است چنانچه آقای وزیر امور خارجه اقرار فرمودند که پس از این مذاکراتیکه در این مدت هجده روزه نتیجه که بدست آمده است و چندان فرقی با آن پیشهاد اولی ندارد و خودشان هم تصدیق کردند و این مسلم است که هر طور باشد با یک تفاوتی است لفظی است ولی معنی این و آن هر دو یکی است و معنی این اینست که بعد از این نتوانیم مستخدمین خارجه بیاوریم که بتوانند برای ما کار بکنند اگر هم آوردیم اشخاصی خواهند بود که سالی از ماه هر یک ده هزار تومان یا بیشتر پول بگیرند و اصلاحات هم نکنند و یک مقامیرا اشتغال بکنند که خیلی مقام عالی است پس آنرا هم چنانچه خودشان اقرار فرمودند مجلس آنکسانی که قبلاً این مسلمانند بیل و اختیار خودشان نمیتوانند اجازه بدهند که این را بدهند این مسئله را هم رد کردیم کفرات از ما میخواهند ما بدولت بهیته روسی نگفته ایم که غرامت میخواستند ما بدولت بهیته روسی نگفته ایم که قشون بایران بیاورد چنانچه سه سال است قشون آورده است در آذربایجان واردیل و تعدیاتی که از طرف قشون روس شده است نمیتوانم بنده بتقریر بیاورم فرق نمیکند آنهم مملکت اسلامی است اینهم مملکت اسلامی است اینهم قزاق است آنهم قزاق و ما فرق نمیکند داریم بین این قشون و آن قشون چنانچه در قزوقین بعضی تعدیات میشود در اردبیل تعدیات میشود اردبیل مگر مملکت ایران نیست ایران است مگر مملکت ایران نیست آستارا که دو سال است قشون آورده است وجه تعدیات میکند مگر مملکت ایران نیست پس ما فرق نمیکند داریم مابین این قشون و آن قشون این قشون را برده بود دو باره آورده است اما چون برای قشون اولی سند داده است باینجهن ابالتی آذربایجان که من غرامت نخواهم خواست و اینجا سندی نماده است میخواهد یک بهانه غرامت بگیرد ما هم تقصیری نکرده ایم کفرات بدیم دولت روس دولت قوی است قشون آورده است مملکت ما و ماجیزی نمیتوانیم قبول بکنیم و نمیتوانیم اقدامات دیگری بکنیم همینقدر عرض میکنم که یک ملت مظلومی که شش هزار سال است استقلال داشته است نمیتواند استقلال خودش را از دست بدهد اجالا در آخر هر ایش خردم عرض میکنم که آنسه مادام مجلس نمیتواند قبول بکند و اینکه شکایت میکنم در این چند روزه مجلس علنی نشده است که شکایت بکنیم شکایت از چه بکنیم چنانچه آقای وزیر امور خارجه فرمودند این اقداماتیکه در این چند روزه شده است اگر نمیشد حالا کار بجائی بد کشیده شده بود بنده برخلاف آن عرض میکنم بله یک روزی هیئت وزراء جواب رد از مجلس شنیدند اینهم راست است که آنها استعفا کردند لکن آقای نایب السلطنه نپذیرفتند و یک کمیسیون انتخاب کردند که آنها نشنستند با بعضی مصلحتین نگذاشتند که وزراء استعفا بدهند ولی اینرا هم باید وزراء ملتفت باشند که استعفا دادن منطقی نیست مناط این است که وزراء باید موافق میل ملت برای این مملکت کار بکنند موافق میل روس و دیگر

اینکه استعفا داده اند یا نداده اند بنده نمی فهمم هر طرف (۱۸) روز ۲۰ روز اقداماتی که میشود باید با اطلاع مجلس و مجلسیان برسد یکی از وکلا که بنده هستم تا این ساعتی که این مسئله اینجا گفته شد نشنیده بودم همیشه در مجالس خصوصی آنچه از وزیر امور خارجه شنیده ام این است که همیشه فرمودند غیر از اینکه قبول شود دیگر چاره نداریم و ما هم همیشه گفته ایم که باید رد شود و غیر از این چاره دیگری نیست و عرض میکنم چون این مسئله مسئله خیلی عملی است و مثل مسائل هادی نیست اگر باید حل شود باید با اطلاع مجلس حل شود و مجلس این را حل میکند اگر حل نشدنی است آنرا هم مجلس باید بگوید ما هیچ وزرائی را نمیتوانیم بشناسیم که بدون اطلاع مجلس خودشان این مسئله را حل بکنند و کار را بجای برسانند که مخالف پارای اولی مجلس باشد .

وزیر امور خارجه - عرض میکنم که امروز هیئت وزراء اینجا برای معارضه نیامده اند که مذاکره بکنند و یک جوابهایی بشنوند و باز جوابهایی بدهند و باز جوابهایی بشنوند برای این نیامده اند مقصودشان این بوده است که ببینند اینجا در مملکت را بگویند و تشریح بکنند و چاره بخواهند از نتیجه عرایض خود در خانه مذاکره کنند که عرض کرده بعضی پیشنهاد ها هم داشته ام آنها را هم باید عرض کرده باشم و موقع نشد و گفته ام بعد از نطق یکی از آقایان بعرض خواهم رساند لکن فرمایشاتی که آقای خیابانی فرمودند بنده هم جوابهای آن را یادداشت کرده ام و اگر جواب بدهم و شاید قناب آن جوابها هم جوابهای صحیحی باشد باید يك ساعت هم بنده مثل ایشان حرف بزنم و جواب ایشان را بدهم و اگر هم آن جوابها صحیح باشد قبول نخواهند کرد این است که بنده هم داعی بگفتم آن جوابها نمیتوانم ولی جواب بستم را بنده لابد عرض بکنم که میفرمایند باید مجبور باشند مطابق رای مجلس شورای ملی کار بکنند بنده عرض میکنم که همچو چیزی در تمام دنیاست و هیچ آدم عاقلی این حرف را نزنند و در هیچ جای دنیا همچو تکلفی نشده است که وزراء مجبور باشند برای مجلس رفتار نکنند و عقیده خود را میگویند اگر پذیرفته نشد استعفا می دهند وزراء هم آمدند عقیده خود را اظهار کردند و مجلس رد کرد استعفا دادند و استعفای آنها ۱ والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه پذیرفته و آن کمیسیون که در مجلس شورای ملی کرده بودند آمدند و گفتند شما نباید استعفا بدهید و در چنین موقعی که مملکت در خطر است استعفا دادن صحیح نیست و کابینه را بحال بحران نگذارید این بود که قبول کردند و رفتند مشغول يك مذاکره شدند شاید این مذاکرات که نتیجه اش خوب نبوده بد هم نبوده است دیگر سایر فرمایشات آقای خیابانی را هیچ عرض نمیکنم برای این که جواب بعضی فرمایشاتشان واضح بود محتاج نبود جواب عرض کنم و بعضی از فرمایشات ایشان هم لایق جواب نبود اما آمدیم در باب آن پیشنهاد ها که میخواستم عرض بکنم يك تصدیقی بالاخره بگیری در این مجلس آن مطلب بود که دو نای آنها را منصرف شدم ولی پیشنهاد اولی که

از آن منصرف نشده ام اینست که استعفا این هیئت وزراء را مجلس مقدس بپذیرد و يك هیئت وزرائی را مطابق آراء و نظریات مجلس که معلوم نیست نظریات مجلس هم چیست معین کنید که باید نظریات موهمی کار بکنند یا این کار را بکنند یا این که موافقت بکنند با نظریات این هیئت وزراء یا این که کمیسیونی که طرف اعتماد مجلس باشد از حزب ویی طرف ما معین بکنند که آن کمیسیون طرف اطمینان باشد و بان کمیسیون اختیار بدهند که با وزراء شرکت بکنند در تمام کردن این مسئله یکی از این سه کار را بکنند همین امروز بکنند که اگر امروز نکنند باز بنده عرض میکنم که يك خطرات بزرگی را برای مملکت جلب کرده اند **وزیر پست و تلگراف** - اینجا آقای خیابانی دو سه فقره ایراد گرفته بوزراء که چرا تعجب نکردند سالارالدوله را یا محمد علی میرزا را بنده در تعجب نکردن محمد علی میرزا و سالارالدوله و در باب شکست ارشدالدوله و قشون او باید جواب بدهم که عامه ملت بدانند علت چه بوده چون وزراء مجبور هستند که دفاع از حق خودشان بکنند در باب شکست ارشدالدوله بعد از گرفتاری و آورش او بظهران قشون او بهنوری متفرق شد که آتاری از آنها معلوم نبود و محتاج بدنبال کردن نبود چون اثری از آنها باقی نمانده بود و حتی هیئت دولت حکومت هم فرستاد بشاهر و در وارد شد با کمال قدرت حکومت میکرد و حاکمی که فرستادند بشاهر و در وارد استر آباد هم شده منصور که میگویند اختیارات بدولت دادند ولی متأسفانه از یکطرف بطوری دستویای دولت را در پوست گردو گذاشتند که نمیتوانستند کار بکنند و تکان بخورند درست است از یکطرف يك اختیاراتی داده اند بموجب چند ماده که مغتاز هستند ولی از یکطرف چنان دست و پایشان راستند که نتوانستند حرکت بکنند چطور مثلا بنده امروز باید قشونی بفلاجه فرستم که در فلان موقع حرکت کند این پول میخواهد وقتی که بیول میرسد هر قدر وزراء می نویسند هر چه میگویند که باید این قشون در فلان موقع حرکت بکنند و تعقیب بکنند تا بفلاجه برسد هیچکس بداد این وزراء نمی رسد بیول نمی رسانند این بود که بیول رسانند و قشون نتوانست که تعقیب بکنند این بود که محمد علی میرزا همانجا ماند کم کم ریشه کرد و بر گشت دولت هم مجبور شد که آن قشون را بخواهد برای جنگ سالارالدوله که سی هزار قشون آورده بوده و دولت تقریباً سه چهار هزار جمع فرستاد و او را شکست داد و تعقیب کرد در همدان دولت چهل روز قشونش معطل شد و نتوانست بیول باو برساند که برود سالارالدوله را تعقیب بکنند يك ماه تمام قشون دولت در همدان متوقف بود و بیول نرسید بعد از زحمت زیاد که بیول باو رسید رفتند بهر وجود او را شکست دادند رفت بخرم آباد از آنجا هم باز فراری شد رفت به هلیلان خاک پشت کوه دو مرتبه موعده جیره نشون رسید که الان چهل و پنج روز است قشونی که در آن صفعاته منتزلی دارد نه اقوامی دارند نه زندگانی و باید بیول داشته باشد که صرف خودش و ماش

بکنند بیول باو نرسید و مجبور شده است برگردد بیاید بظهران اینها ابتدا ربطی بوزراء ندارد در موقعی که میگویند يك شاهی خرج کنید که بعداً ده تومان خرج نکنید آن بکشای را نمی بیند بعد مجبور میشوید ده تومان خرج بکنید علت همین شد که دو مرتبه سالارالدوله برگشته است اگر بیول رسیده بود دوباره قشون سالارالدوله را تعقیب میکرد با او میگرفت یا محققاً از سرحد فرار میکرد میرفت بخاک عثمانی تعقیب نکردند و برگشته است در کرمانشاهان صدر شرارت شده است از یکطرف گفته میشود که اختیارات داده شده است بوزراء از يك طرف دیگر خود آقا میگویند که من راضی نیستم که يك ذره اقتدار از کسی کسر شود و این بعضی نسبت ها میدهند که بعضی ها دیده نشده است که به منافقان برخورد است و آنها خوش ندارند که این ترتیب حالیه باقی برقرار بماند .

رئیس - باشد بعد از تنفس .

وزیر پست و تلگراف - خوب این را بعد توضیح میدهم .

رئیس - مانع نیستم عرض کردم چون مدتی است که مجلس متعقد است اگر آقایان مایل باشند تنفس داده شود بعد مذاکره شود .

وزیر پست و تلگراف - پس در مسئله تلگرافات اجازه بفرمائید جواب عرض کنم .

رئیس - بفرمائید .

وزیر پست و تلگراف - اما تلگرافات چند فقره است که بنده توفیق کرده ام و آنها را صلاح و صرفه دولت حالیه میدانم در ابتداء در مسئله اولتیماتوم آنچه تلگرافات لازم بود بتمام ولایات مخایره کردند و دیناری هم پول گرفته نشد و اطلاعاتی که لازم بود در ظرف ده یا زوده روز بتمام ولایات داده شود داده شد بعد چند فقره تلگرافاتی که مخالف صلاح مملکت بوده است آوردند مخایره شده بنده آنها را توقیف کرده ام و این هم بنا بر مسئولیت شخصی و وجدانی بنده بوده است که بنده یکی از افراد این آب و خاک هستم و میخواهم در مقابل تاریخ مسئول بمانم و در موقعی که من متصدی پست و تلگراف بوده ام نقضی واقع شود که این مسئولیت بهمدم وارد بیاید البته در مملکت قانونی مجلس شورای ملی سؤال و استیضاح بکنند و در موقعی که می بینند يك مخالفتی از وزیری ظاهر میشود آنها باید استیضاح بکنند و ورقه آبی بدهند آن وزیر را رد بکنند ولی تا وقتی که این دولت هست من باید باصلاح دید این دولت و نظریات آن دولت مسئول باشم میخواستم عرض بکنم که آقایان محترم بدانند تلگرافاتی که شده است ممکن است يك وقتی آنها را بیاورم اینجا بادر روزنامه جات بنویسند تا بدانند که آن تلگرافات صلاح نبوده است و بنده مخایره آنها را ابتدا صلاح میدانم برای اینکه هیچ وقت راضی نمیشوم که قشون اجنبی بیایند مملکت بیاید مثل تیری میماند که عقب انسان بخورد .

رئیس - عجلانته دو دقیقه تنفس است (در این موقع تنفس شده و مجدداً سه ربع از شب گذشته مجلس تشکیل گردید) .

رئیس - راجع بمطالیه که اینجا اظهار شد بنده گمان

میکنم اگر با این ترتیب مانا کرده شود نتیجه بدست نمی آید (گفتند صحیح است) قبل از اینکه آقای وزیر امور خارجه مطلب را اظهار بکنند چون زمینه در دست نبود این بود که مطالب را اظهار کردند آقای خیابانی لازم دانستند که بعضی جوابها بدهند مطالب گفته شد و جوابی که لازم بود گفته شد تا يك درجه گفته شد حالا گمان می کنم بهتر این است که برای اینکه نتیجه بگیریم پیشنهادی که از طرف وزراء شده در همان پیشنهاد مذاکره شود و اگر منجر شد برای گرفتن در همان پیشنهاد رای گرفته شود (گفتند صحیح است)

ناصر الاسلام - همانطور که آقای رئیس فرمودند باید در پیشنهادی که از طرف هیئت وزراء شده است مذاکره بکنیم سه پیشنهاد از طرف وزراء شده است اطراف هر يك را باید درست وقت کنیم وارد مذاکره بشویم و جهات آن را ملاحظه بکنیم در هر کدام از آن ها صلاح بدانیم رای بدهیم و عقبه خودمان را اظهار بکنیم برای این که موقع ما امروز خیلی موقع سخت و تنگی است و نمی توانیم درست در کار تعمق بکنیم باید نظریات عمیقی اطراف آن کار را بسنجیم بعد با يك تأمل دور و درازی داخل کار بشویم چون وقت ما فوق العاده تنگ است در پیشنهاد اول بطوریکه خاطر آقایان هست که امروز بعضی مشکلات در کار هست و بعضی منظورات در نظر آقایان است که ما در آن پیشنهاد اولی نمیخواهیم داخل بشویم و آن منظورات حاصل نخواهد شد پیشنهاد دوم که موافقت مجلس است با هیئت وزراء او هم چون مسی توان گفت تعلیق بمحال است یعنی رأیی که مجلس داده است ممکن نیست که برگردد او را هم بعقبه من نمی توانیم طریق حلی پیدا بکنیم ولی لابدیم از برای این فقره طریق حلی پیدا کنیم و هیچ مسئله نیست که برای آن رفقه حلی نباشد برای این امر مشکل هم طریق حلی که میتوانیم پیدا بکنیم بعقبه بنده آن شق ثالث است که آن به تعیین کمیسیون است اما بعقبه تصرفی چون این مسئله راجع می شود بعوم ملت بنده فقط بان انتخاب کمیسیون تنها قانع نمیشوم و عقیده ام این است که يك کمیسیونی از مجلس تعیین بشود و بعضی هم از خارج باصلاح دید وزراء وقت نمایندگان در تحت ریاست والا حضرت اقدس نایب السلطنه و آقای رئیس متعقد بشود و امور تسویه شود و مذاکرات شود و آنچه نتیجه از آن گرفته شد مجلس شورای ملی هم آنرا قبول کند این عقیده بنده است و اگر آقایان نمایندگان محترم طریق حلی دارند خوبست بفرمایند و بنده جلی ندارم در این که طریق بنده قبول بشود و طریق منحصر بدین است اما آنچه بنده فکر کرده ام و دیده ام طریق حل غیر از این نیست اگر آقایان دارند بن بگویند و من در کمال صمیمیت اگر بهتر از این است متقاعد میشوم و تصویب میکنم .

آقا شیخ رضا دهخوارقانی - چونکه بنده به پیشنهاد آقای وزراء ملتفت نشده بوده ام این است که ثانیاً اجازه خواستم این پیشنهاد ها همان پیشنهاد هائمی است که در جلسات خصوصی در آنها مذاکره شده است و تقریباً قبول نشدند و آن اظهاراتی که بنده آنجا عرض کرده بودم اینجا هم عرض میکنم اما راجع باین صورت که نمایندگان

همراه باشند با کابینه وزراء در قبول آنچه پیشنهاد شده از طرف دولت روس چنانچه بعضی آقایان فرمودند غیر معقول است جهة غیر معقول بودن آن هم این است که یلتیک مجلس از اول امر یلتیک ملت است و مشروطیت برای این شد چون دولت سابق ما با خارجه ها همیشه همراهیهای فوق العاده داشتند و حس شد از طرف ملت که اگر بساططور بماند استقلال مملکت را هم بان بخشش که دارند از دست خواهند داد این بود که بر گردانیدند بشروطیت چون ملت مشروطه را برای این خواسته بودند که تقاضای استقلال بیادده هیچ دولتیا نپذیرند مجلس هم نمیتواند مخالف ملت باشد و نمیتواند بر خلاف خیالات و مقاصد ملت رای بدهد ملت و مجلس هیچ نمیتواند فرق بگذارند بین ناصر الدین شاه و محمد علی میرزا و بین هیئت دولت دیگری چطور شده است که درباره آنها به میگویند و درباره دولت حاضر هیچ نگویید ابتدا فرقی نمیتواند بگذارد و از این راه که مختصراً عرض کردم نمیتواند ملت که امروز مظهرش ولسانش مجلس است رای بدهد در همراهی با آن پیشنهاد های دولت روس زیرا که هر يك از آن پیشنهاد ها استقلال شکن است و قبول آنها امضای اینست که ما خودمان مالک مملکت نیستیم حتی بعضیها که اظهار میکردند که شخص شوستر را برداشتن شاید مضر استقلال نباشد بنده با آن هم مخالفم حالا شاید موقع آن نباشد که جهت اظهار بکنیم از این راه در آن پیشنهادها همراهی کردن صحیح نمیباشد اما مسئله کمیسیون فرضاً کمیسیون انتخاب شد در حل این مسئله چه خواهد کرد که آن را هیئت وزراء نمیتواند بکنند اگر بکنیم چون اختیارات داده خواهد شد که بهر جائیکه برسد ولو برخلاف آنچه در مجلس رای داده شده است صحبت کند و بگذارد مطلب را بنده شخصاً خودم نه از طرف فرقه ام (زیرا که نماینده فرقه نیستم) از طرف خودم عرض میکنم که اگر کمیسیون این نحو باشد و باو اختیارات داده شود که مسئله را حل کند ولو مقبول کردن یکی از آن شرایط باشد و مجلس شورا ملی اگر خیال نکنند که اگر اینطور باشد ملت نخواهد داشت و متانی و مخالف بان رأیی که داده است نخواهد بود اشتباه کرده است بجهة این که هیچ فرق ندارد بین این که هیدن هیئت بنشینند بگویند که ما اگر چه اول امر پذیرفتیم این تقاضای سه گانه را ولی حالا چون امر سخت تر شد این را حالا میپذیریم یا مصالحت در این دیدیم که یکیش را عیب ندارد هیچ فرقی ندارد که مجلس اینطور بگوید یا اختیار بدهد يك هیئتی از خود کوچک تر که اگر تو این کار را کردی عیب ندارد من میگویم که این يك چیز فریبی است اگر شما بعد از این چند روز مصالحت در این مینبید که یکی یا دو تا بنا هر چه از این تقاضا ها قبول شود یا تبدیل بچیز بزرگتر شود بهتر این است که خودتان قبول کنید و نالابا وقتی تردیدی در رأی ام اگر پیدا شود و بدانم که صلاح در خلاف آن رأی است که داده بودم همان ساعت بر میگردم و لوائیکه بعد از داد آن رأی ثانی فوراً ملت مرا باره باره بکنند ولی خوشبختانه این رأی برای من حاصل نشده است و

نخواهد شد و در جلسه خصوصی هم عرض کرده ام پس حالا فرقی ندارد که شما خودتان رای بدهید یا اینکه اختیار خودتان را بدست دیگری بدهید کاو این کار بکنند اگر وقتی که اختیار را بدیگری بدهید بگویند خودمان نکرده ایم دروغ میفرمائید بجهة اینکه اختیار را شما داده اند شما وقتی که اختیار را بدیگری دادید که آنها بدهند چون آنان نمایندگان شما هستند کار را که آنان میکنند شما کرده آید اینکار اگر بد است چرا آنان بکنند اگر خوب است چرا خودتان نمیکند درست ملتفت باشید پس از این رو هیچ نمیتوان يك کمیسیونی تشکیل کردید شق دیگر این بود که کابینه تبدیل شود بوزرای جدید بنده در جلسه خصوصی که عرض کردم اصح وجود این است بنده از طرف شخص خودم عرض میکنم حالا اگر فراکسیون اینرا بپذیرد بنده بعد از آن استعفاي خودم را خواهم داد شخصاً من که بکنم ایرانی و مسلمانم اعتقاد بر این است که ما بفرود این کابینه اظهار اعتماد کرده ایم ولی در این مسئله که امروز گفته میشود که مصالحت تبدیل است این غیر از مسئله اعتماد است این مسئله این است که آقایان وزراء میگویند که ما نمیتوانیم این کار را انجام بدهیم راه چاره باعتماد ما غیر از پذیرفتن اینها نیست مجلس رای متانی اینرا داد نسبت رای وزراء را رای مجلس نسبت متانی است یعنی سبب و ایجاب که یکی میگوید بدهید یکی میگوید ندهید حالا کسانیکه عقیده شان این است که باید داد بانها مجلس میتواند بگوید بروید ندانن را تعقیب بکنید آیا چنین کار صحیح است من تقدیس میکنم عقیده هر کس را که میگوید بدهد البته عقیده او را تصدیق میکنم مقدس است ولو اینکه بنظر بنده خطا است لکن مجلس که رد کرده است این شرایط را و قبول نکرده است دیگر نمیتواند بوزراء بگوید که اینرا تعقیب کنید این مثل اینست که بنده بفرضی از آقای مشیر الدوله خواسته باشم که آقای معاضد السلطنه که وزیر پست و تلگراف است عقیده شان بر این باشد که هر که به بنده قرض بدهد دیگر پس نمیدهم اعتقادشان بر این است که رضای قرض دادن صحیح نیست هر چه گرفت پس نمیدهم بخورد ممکن است حال ایشانرا واسطه فرار بدهیم که بروید پیش آقا آقای مشیر الدوله برای من قرضی بخواهد آنا هم چو شخصی نمیتواند واسطه باشد که قرضی برای من بکنند آیا چنین امری میشود (تصور این را بکنید) از اینجهت بی تبدیل وزراء این مسئله تعقیب نمیشود و بنده از این سه پیشنهاد تبدیل وزراء را عقیده دارم و استعفای ایشانرا نمی بستم .

رئیس - بران اینکه مذاکرات مرتب باشد بهتر این است که مطلب تفکیک و تجزیه شود .

وزیر امور خارجه - عرض کنم چون قبل از تنفس عرایض بنده عرض شد و آقای خیابانی فرمایشاتی فرمودند بیرون که رفتم بعضی اعتراض کردند که چرا جواب اینها را بنده مفصل ندادم باز هم جواب آن ها را نمی دهم چون تصمیم کردیم که دیگر در پیشنهاد ها حرف نزنیم ولیکن جواب آقای دهخوارقانی را لازم میدانم که عرض کنم من جمله گفتند در مجلس سری این سه پیشنهاد را آوردیم در مجلس گفتیم و بجز یکی دو نفر که یکی همین آقای دهخوارقانی بود و یکی هم آقای خیابانی دیگران حرف نزدند و نه رد کردند و نه

بکنند بیول باو نرسید و مجبور شده است برگردد بیاید بظهران اینها ابتدا ربطی بوزراء ندارد در موقعی که میگویند يك شاهی خرج کنید که بعداً ده تومان خرج نکنید آن بکشای را نمی بیند بعد مجبور میشوید ده تومان خرج بکنید علت همین شد که دو مرتبه سالارالدوله برگشته است اگر بیول رسیده بود دوباره قشون سالارالدوله را تعقیب میکرد با او میگرفت یا محققاً از سرحد فرار میکرد میرفت بخاک عثمانی تعقیب نکردند و برگشته است در کرمانشاهان صدر شرارت شده است از یکطرف گفته میشود که اختیارات داده شده است بوزراء از يك طرف دیگر خود آقا میگویند که من راضی نیستم که يك ذره اقتدار از کسی کسر شود و این بعضی نسبت ها میدهند که بعضی ها دیده نشده است که به منافقان برخورد است و آنها خوش ندارند که این ترتیب حالیه باقی برقرار بماند .

رئیس - باشد بعد از تنفس .

وزیر پست و تلگراف - خوب این را بعد توضیح میدهم .

رئیس - مانع نیستم عرض کردم چون مدتی است که مجلس متعقد است اگر آقایان مایل باشند تنفس داده شود بعد مذاکره شود .

وزیر پست و تلگراف - پس در مسئله تلگرافات اجازه بفرمائید جواب عرض کنم .

رئیس - بفرمائید .

وزیر پست و تلگراف - اما تلگرافات چند فقره است که بنده توفیق کرده ام و آنها را صلاح و صرفه دولت حالیه میدانم در ابتداء در مسئله اولتیماتوم آنچه تلگرافات لازم بود بتمام ولایات مخایره کردند و دیناری هم پول گرفته نشد و اطلاعاتی که لازم بود در ظرف ده یا زوده روز بتمام ولایات داده شود داده شد بعد چند فقره تلگرافاتی که مخالف صلاح مملکت بوده است آوردند مخایره شده بنده آنها را توقیف کرده ام و این هم بنا بر مسئولیت شخصی و وجدانی بنده بوده است که بنده یکی از افراد این آب و خاک هستم و میخواهم در مقابل تاریخ مسئول بمانم و در موقعی که من متصدی پست و تلگراف بوده ام نقضی واقع شود که این مسئولیت بهمدم وارد بیاید البته در مملکت قانونی مجلس شورای ملی سؤال و استیضاح بکنند و در موقعی که می بینند يك مخالفتی از وزیری ظاهر میشود آنها باید استیضاح بکنند و ورقه آبی بدهند آن وزیر را رد بکنند ولی تا وقتی که این دولت هست من باید باصلاح دید این دولت و نظریات آن دولت مسئول باشم میخواستم عرض بکنم که آقایان محترم بدانند تلگرافاتی که شده است ممکن است يك وقتی آنها را بیاورم اینجا بادر روزنامه جات بنویسند تا بدانند که آن تلگرافات صلاح نبوده است و بنده مخایره آنها را ابتدا صلاح میدانم برای اینکه هیچ وقت راضی نمیشوم که قشون اجنبی بیایند مملکت بیاید مثل تیری میماند که عقب انسان بخورد .

رئیس - عجلانته دو دقیقه تنفس است (در این موقع تنفس شده و مجدداً سه ربع از شب گذشته مجلس تشکیل گردید) .

رئیس - راجع بمطالیه که اینجا اظهار شد بنده گمان

قبول بلکه میدانم که يك نمايندگي بود در قبول يكی از آن پیشنهادها چون وقت تنگ بود نتیجه گرفته نشد هیچ نمیشود گفت هر سه تاسی این پیشنهاد رد شد اگر غیر از این است که عرض میکنم بفرمائید دیگر اینکه بفرمائید که وزیر امور خارجه در این پیشنهاد که عین مطالبی که خواسته اند قبول کند بدون اینکه تغییری در آنها داده شود بنده هیچ همچو عرضی نکردم اگر مطالبی که عرض کردم در مجلس سری درست تجزیه شود این است که آن عرایض مطابق يك اقداماتی بوده است که کرده بودم و نتیجه آن اقدامات در مجلس خصوصی گفته شد و اگر اظهار رائي کرده ایم این بوده است که بالاخره يك زمينه موافقی پیدا بکنیم که اینکار بموافقت تمام شود و همچوقت دچار اشکال نشویم همچوقت نکتته عین اینها را بدون تغییر و بدون اینکه هیچ فرقی بکنند قبول کنیم يك مسئله دیگر که فرمودند دولت مستبده باعث شد که مشروطه برقرار شد برای اینکه استقلال مملکت از میان نرود بنده اینرا تصدیق می کنم و خیلی خیلی عقیده صحیحی است لکن بنده عرض میکنم دولت مشروطه ما هم باید طوری باشد که استقلال مملکت را بیاد نهد و حتی الامکان حفظ استقلال مملکت را نماید این يك مطالب اساسی است که همیشه استقلال میکنند باینکه دولت مستبده را آوردیم مشروطه کردیم که استقلال مملکت باقی باشد این خیلی نظر صحیحی است ولی باید کاری نکنیم که نقش فرض شود دولت مشروطه را يك طوری نگاه نداریم که در عین مشروطیت استقلال را بیاد ندهیم و مشروطه را بنام نکنیم بگذاریم مشروطیت آن اثرات خوبی را که در تمام دنیا کرده است در مملکت ما هم اثرات را بکنند يك مطلب دیگر که بفرمائید تمام شرایطی را که روسها تقاضا کرده اند تمام بر ضد استقلال ما است بنده این را تکذیب میکنم و هیئت وزراء این قدر حس وطن پرستی دارند که اگر می دانستند تمام این سه مطلب بر ضد استقلال مملکت است ابتدا داخل مذاکره نمیشدند پس ما نباید برای حسن شهرت یا برای مقاصد دیگری همه مردمان مبتلا بجهل بکنیم و بگوئیم تمام اینها بر ضد استقلال مملکت است بنده عرض میکنم که اینها تمام بر ضد استقلال نیست يك روزهایی است که میگویند فرق است بین روز و چیزی که بر ضد استقلال مملکت است اما آن مسئله چیزی که گفتند استعفای وزراء از همه بهتر امکان پذیر است و در آن عرایض قبل از نقش عرض کردم که خیلی بهتر است آن شکل خاصه که فرمودند ما بین عقیده وزراء و عقیده مجلس متناهی مسئله را به مصلحت و صلاح تمام بکنند نباید آنها مأموریت داد که بروید و آن مسئله را بطور صديت بگذرانید این عقیده خیلی خیلی صحیح است و واقعاً ميان این دو مسئله متناهی است هر گاه آراء تمام نمایندگان محترم با رأی آقای دهخوارقانی مطابق است بنده این دو پیشنهاد خود بزرگواریم امشب رأی بگیریم و تکلیف وزراء را معین کنید و این مسئله را تمام بکنید و بدانید که امشب که ما میریم و دیگر شما وزیر ندارید برای اینکه آندفمه گفتند که وزراء استعفا ندادند و رفتند باز

مداخله در کار کردند ایندفعه از اینجا که میروم بدانید که دیگر هیچچیز مداخله در کار نخواهم کرد زودتر وزرای دیگری را انتخاب نمایم که مشغول کار شوند .

هشترودی - اولاً بنده نفهمیدم که این پیشنهادها را وزراء کتباً کرده اند یا اینکه شفاهاً پیشنهاد نموده اند اگر پیشنهاد کتبی است خوبست بخوانند و اگر همان است که وزیر امور خارجه فرمودند عرایض خود را بکنم .

رئیس - کتباً پیشنهاد شده است از قراریکه بنده اطلاع دارم سه فقره پیشنهاد است یا اینکه مجلس استعفای وزراء را قبول بکند یا اینکه کمیسیون معین بکند و اختیاراتی بآن کمیسیون بدهند که هر طور صلاح دانست با اتفاق هیئت وزراء فراری بگذارد یا اینکه کلیه اختیارات بوزراء داده شود که هر طور صلاح میدانند ختم نمایند آقای وزیر امور خارجه همین طور است .

وزیر امور خارجه - بله منبطلو راست . چنانچه تصدیق فرمودند فرمایش آقای رئیس را بنده عرض میکنم در شروط اولی یعنی پیشنهاد اولی که مجلس رأی خودش را مطابق رأی وزراء بکند **وزیر امور خارجه** - يك توضیحی لازم است بهم بدها فرمایشاتشان را بکنند اینک گفته میشود مجلس رأی خودش را مطابق رأی وزراء بکند هنوز رأی وزراء معلوم نیست یعنی مذاکرات تمام نشده است که يك رأی داشته باشند مقصود اینست که بآنها اختیار داده شود که هر طوریکه میتوانند و بهر وجهی که سهل است این مسئله را تمام نمایند **هشترودی** - خوب پس بنده لازم نیست که این عرض را که حاضر کرده بودم بکنم همچو گمان میکردم که وزراء بر آن رأی سابقشان باقی هستند چون سابقاً در این مجلس ذکر شد که وزراء فرد فردشان رأی قبول دارند اگر در همان رأی هستند و حالا میگویند که با مجلس استعفای آنها را قبول بکنند یا يك اختیاراتی بکمیسیون بدهد که بموافقت وزراء مطالب را ختم بکند یا يك اختیاراتی بخود وزراء داده شود که آنها هر طور صلاح میدانند ختم بکنند چون رأی وزراء معلوم بود که چیست عرض میکنم بر فرض که در رأی سابق خودشان باقی بودند آنوقت معلوم میشد که برای وزراء يك احساساتی از مجلس شده است یعنی وزراء از مجلس احساس کرده اند که مجلس از رأی اولی خودش برگشته است اگر چنین است بنده عرض میکنم يك مهلتی بدهند که مجلس خودش يك مذاکره بکند که معلوم شود که آنهايي که پیشنهاد آقایان وزراء را می پذیرند و از رأی اولی برگشته اند چه طور شده است و کبها هستند لکن حالا معلوم میشود که وزراء يك اندازه از آن سختی و اضرائیکه داشتند که باید تمام مواد اولیاتوم قبول شود باین آمده اند و حالا يك رأی هم خودشان اتخاذ نکرده اند آن وقت بنده میخواهم عرض بکنم در این موقع که برای خودشان رأی اتخاذ نکرده اند مجلس رأی خودش را داده است و ممکن نیست رأی دیگری اتخاذ بکند و آن

رأی که داده است برگردد بنده همچو حس میکنم چون مجلس رد رأی خودش را داده است باید که وزراء مذاکره بکنند و يك رأی اتخاذ بکنند و بمجلس بیاورند آن وقت مجلس داخل مذاکره شود بعد از مذاکرات هر کس مساعد شده معلوم شود کيست هر کس هم معلوم شود کيست یعنی هر کس از آن رأی جدی برگشت و با وزراء همراه شده معلوم شود که کيست این جواب آن شق و بطور فوریت بنده صحیح نمیدانم شاید هیچکس برگشته است از آن عقیده اش يك شق هم این بود که کمیسیون انتخاب شود که آن کمیسیون مختار باشد از طرف مجلس در رأی دادن بنده شخصاً مخالف هستم چنین کمیسویی باشد که مختار باشد از طرف مجلس و اختیارات بجائی منجر شود که بروند با وزراء هم سازند بنده شخصاً باین کمیسیون رأی نخواهم داد و عقیده هم ندارم در رأی خودم هم که داده ام ابتدأ تزلزلی ندارم اما اگر يك کمیسویی باشد که بروند زمینه سازی بکند و بنظر مجلس برساند و خودش مختار میباشد بکند مجلس مختار باشد بنده رأی می- توانم بدهم نه اینکه مجلس اختیار خودش را بدیگری بدهد چون این يك چیزی نیست که انسان بتواند اختیار خودش را بدیگری بدهد بنده میگویم انسان در رأی خودش باید مختار باشد نه اینکه اختیار را بدیگر بدهد و بگوید آقا من هیچ نمیفهمم تو مختار من هستی من رأی ندارم هر چه بکنی بکن دست من باش و عقل من باش ولی چون نمایندگان ملت همه صاحب رأی هستند اینست که عرض میکنم هیچکس نمیتواند اختیار خودش را بدهد بدیگری حالا اگر بعضی ها هم باشند که بدهند بنده که نمیتوانم رأی بدهم مگر اینکه کمیسویی باشد که بروند يك روز دوروز یا يك ساعت دو ساعت هر قدر وقت لازم دارند يك زمینه سازند و بعرض مجلس برسانند و آنوقت باز مجلس در رأی خودش مختار باشد بنده بآنقدر که میتوانم این کمیسیون را رأی بدهم والا اختیار بدست کمیسیون باشد بنده این را هیچ عقیده ندارم آمدیم بر سر شق ثالث بنده در آن شق ثالث شور کردن را هیچ نمیفهمم بعد از اینکه رأی مجلس بارای وزراء مخالف شد باید يكی از آنها برداشته شود لکن پس از توضیح آقای وزیر امور خارجه دیگر نمیتوانم عرض بکنیم يكی برداشته شود یعنی يك اندازه از رأی اولیشان بطوری که توضیح دادند باین آمده اند آن وقت بانحلال مجلس یا وزراء محل نمی ماند این است که بنده عقیده ام همان شق کمیسیون است بآنطوری که عرض کردم و صریحاً عرض میکنم موافقم با کمیسیون در صورتیکه کمیسیون هم اختیار نداشته باشد و زمینه ساز باشد مگر کمیسیون رأی بنده اینست که يك کمیسیون از مجلس آنها هم صاحب اختیار فقط زمینه سازی بکند و بعرض مجلس برساند و آن زمینه هم برای مجلس مخالف نباشد آنوقت می تواند خودش اظهار رأی بکند و با وزراء شاید سازش بکند .

وزیر امور خارجه - بنده گمان می کنم همان پیشنهاد وزراء که رفتن وزراء باشد بالاخره تمیم شود بجهت اینکه اگر کمیسیون مختار نباشد و زمینه سازی بکند و اختیارانش همین قدر باشد که زمینه حاضر بکند و مشاوره بکند اگر این میشد خوب بود ولی بدبختانه آن قدرها وقت نداریم و باید تعینش خیلی خیلی زودتر از این بشود بهترین است که در روی همین شق مذاکره شود **رئیس** - این بسته بیبل هیئت وزراء است اگر لازم است در همان مذاکره شود **افتخار الواعظین** - بنده برای اینکه وقت نگذرد مطالب و عرایض خود را بطور اختصار عرض میکنم خیلی بنده صحیح و لازم می دانستم که در وقت مشغول مذاکره میشویم در این اطاق بگذری هم بنظر بیاوریم فرمایشات اولی آقای وزیر امور خارجه را يك قدری حوادثی که ما را احاطه کرده است و شاید حوادث دیگری را هم که ممکن است واقع شود آنرا هم بنظر بیاوریم بنده عرض میکنم که مجلس شورای ملی که نماینده افکار ملت است ممکن نیست که این تقاضاهاییکه از طرف دولت روس شده است بتواند هیچکدام از این تقاضاها را بپذیرد بنده عقیده ام شخصاً رد بوده است و ردهم هست تا زنده ام ولی در مسئله استعفای وزراء که آقای دهخوارقانی فرمودند بنده حقیقتاً همراه میشدم در صورتیکه برای من معلوم میشد که هیئت دیگری که معین میشود و يك هیئت وزرائی معین خواهد شد و اینجا خواهد آمد که وزیر خارجه اش خواهد گفت که من هم عقیده هستم با مجلس شورای ملی که تمام این مواد تقاضا را رد کرده و رفع این قائله را هم يك ترتیبی میکنم اگر بنده می دانستم يك همچو هیئت وزرائی معین میشود و وزیر امور خارجه اش هم بمأموریت اینجا رسماً این طور اظهار میکند بنده هم عقیده ام این میشد که باید این هیئت بروند لکن بدبختانه چنین حس میکنم که اگر این هیئت بروند يك هیئت وزرای دیگری که معین شود آنها هم وقتیکه داخل در جریان امور شدند چون برای آنها يك قوه آسانی و يك قوه خلق الساعه هم قائل نیستیم و میدانم قوای آنها هم قوای حاضر خواهد بود مترجم بیابند با يك زبان دیپلوماسی يك لسان نرم تر بگویند بما اختیار بدهید برویم صلح کنیم و البته مجلس شورای ملی هم همه موافقت در اینک بگویند بروید صلح بکنید و چون بنده برای صلح اقسام جدیدی می توانم تصور کنم و یکی از آن اقسام قبول يكی از این تقاضاهاست يكی هم قبول دو تای این تقاضاها است يك قسم از صلح هم قبول هر سه فقره از تقاضاها است اینست که بنده مانعی نمی بینم که همان اختیار را امروز باین هیئت وزراء بدهند اما اینکه میگویند وزراء قبول کرده اند و عقیده شان قبول بوده است و آنها شاید برای حل این مسئله کاملاً اقدام بکنند این را بنده جدا تکذیب میکنم و عرض میکنم بر حسب اطلاعاتیکه بنده خودم دارم آنروز که آن تقاضا خوانده شد اظهار کردند هیئت وزراء که این تقاضاها شده است و عقیده وزراء هم اینست که بپذیرند ولی در ردو قبول اختیار یا مجلس است و مجلس هم بالاتفاق تمام آن تقاضاها را رد کرد چون برخلاف حق و زور صرف بود و هیئت وزراء هم عین رأی مجلس را در جواب مراسم سفارت روس نوشتند بعد از آنهم از برای حل کردن این مسئله نه برای قبول و برای این که رفع این قضیه شود بطوریکه با استقلال مملکت صدمه وارد نشود بنده میدانم که هیئت دولت از هیچ

اقدامی صرف نظر و تسامح نکرده اند و تمام اقدامات ممکن الوقوع از طرف هیئت دولت شده است پس باز عرض نمیکند در خصوص پیشنهاد وزراء ارجاع به تغییر وزراء بنده شخصاً از طرف خودم و شاید از طرف رفقای خودم هم عرض کنم که همراه میشدم در تغییر وزراء در صورتیکه قطع میکردیم که هیئت دولتی پیدا بکنیم که وزیر خارجه اش می آید اینجا اظهار کند که ما مخالف هستیم و موافق با رأی مجلس عقیده داریم بيك طریقی رفع این قائله را خواهیم کرد در این صورت بنده تاروح در بدن دارم با این هیئت وزراء مخالفت نخواهم کرد ولی مترسم که اینطور نباشد آنچه را که امروز هیئت دولت می تواند انجام بدهد آن هیئت میتواند انجام بدهد بلکه با يك زبان خیلی نرم بگویند مجلس شورای ملی بین اختیار بدهد که بروم این مسئله را انجام کنم و بروم صلح کنم پس باین جهت بنده هم عقیده باین پیشنهاد نیستیم اما در باب پیشنهاد کمیسیون این مسئله را باید خوب ملتفت شد هیئت وزراء اگر بگویند شما يك هیئت معین کنید از مجلس و بآنها اختیارات بدهید که بروند این تقاضاها را قبول کنند بجهت این که داده است این چون برخلاف عقیده بنده بوده است و خواهد بود تصدیق نمیکند ولی اگر بگویند که کمیسویی معین بشود که با هیئت وزراء بروند راه چاره پیدا بکنند برای اینکه جلو مغایرات آتی را و حوادثیکه میترسندم استقلال برود هم این چیزهایی را که نمیدانم رفته باشد نماینده چون امشب يكی از شهای تاریخی این مملکت است که باید هر کس صریحاً بی پرده عقایدش را بگوید مثلا میگویند که بکنفرم مستخدم خودمان را برادرید آقایان کاملاً مسبقند که بنده همیشه ذکر کرده ام برداشتن این مستخدم اعلان این است که بعد از این ما مستخدم میتوانم وارد در اصلاحات بشود و یا حتی الامکان نباید يك مستخدم خودمان را از دست بدهیم اگر من میدانستم که اگر این مستخدم را ندهیم حوادث و وقایعی از برای ما آنچه را که مترسم واقع شود واقع نمیشد بنده تا جان داشتم و طوریکه وظیفه بنده است پشت همین کرسی خطابه بقرآن قسم خورده ام که تا وقتی که در این مقام رسمی نشسته ام بعلاوه اینکه خیانت با استقلال این مملکت نکنم حفاظت و نگاهبان استقلال این مملکت باشم ولی بنده مترسم که يك روزی بشود که هم مستخدمینمان رفته باشند هم چیز دیگر این است که بنده عرض میکنم هیئت وزراء میگویند که يك کمیسویی انتخاب بکنید که ما برویم و مذاکره بکنیم هم تقاضاها را رد کرده باشیم و تا اندازه که با استقلال مملکت برمیخورد و ممکن است و مقدور است وهم جلو حوادث آتی را بگیریم اگر بنظر است بنده شخصاً تصویب میکنم و باو اختیار میدهم اما اگر بگویند اختیار بدهید بيك کمیسویی که قبل از اینکه بروند چاره جوئی بکنند بطوریکه آقای هشترودی فرمودند و بدون اینکه مذاکرات بکنند چاره جوئی بکنند اقدامات لازمه بکنند رفته موافق خیال آقای هشترودی که اینطور خیال کرده اند بروند بنشینند و بگویند تقاضاهای دولت روس را قبول میکنیم بنده هم همچو هیئتی

را تصویب نمیکند وزراء هم از مجلس يك کمیسویی را خواسته اند که با موافقت و مدد آن بکمیسیون بنشینند چاره جوئی بکنند و بدیهی است که هر چاره که جسته اند چون مستقیماً مربوط بملت است باید قبلاً بملت اطلاع بدهند و بعد اقدام بکنند اگر مقصود از تشکیل کمیسیون این شکل ثانوی است بنده همراه **رئیس** - مسئله تا تجزیه نشود نتیجه حاصل نمیشود این است که اول رأی بگیریم در باب اینکه وزراء بهتر اختیاراتی خواسته اند که بآنها داده شود تا بيك ترتیبی این کار را انجام بدهند اگر تصویب شد که بسیار خوب و الا رأی گرفته می شود در باب اینکه کمیسویی همانطوری که وزراء خواسته اند تشکیل و انتخاب شود اگر اینهم تصویب نشد آنوقت باید در استعفای آنها رأی گرفت حالا مذاکرات را آقایان کافی میدانند یا خیر (اغلب اظهار کردند کافیت)

وزیر امور خارجه - بنده فقط يك چیزی خواستم عرض کنم که ممکن است هر سه مطالب رد بشود تکلیف معلوم نشود پس بطوریکه فرمودند خوب است اول در پیشنهاد راجع با اختیار وزراء رأی گرفته شود در صورتیکه رد شد آنوقت در کمیسیون رأی گرفته شود یعنی در پیشنهاد راجع با اختیار دادن بيك کمیسیون با وزراء که هر قسم آنها موافقت حاصل کردند انجام بدهند و ختم کنند و اگر این دو فقره هر دو رد شد آنوقت استعفای وزراء مسلم است دیگر جای رأی گرفتن نیست **رئیس** - پس کتباً پیشنهاد نمایند

وزیر امور خارجه - بنده دو پیشنهاد را نوشته ام و بعرض آقایان میرسانم پیشنهاد اول اینست که مجلس شورای ملی بوزراء حالیه اختیار بدهد که مسئله اختلافات با دولت روس را بهر نحو که برای آنها پیشرفت میکند و مقتضای مصحت ممسکت میباشد تمام نمایند پیشنهاد دوم این است که مجلس شورای ملی کمیسویی تعیین نمایند که آن کمیسیون با هیئت وزراء دارای اختیارات لازمه بوده مسئله اختلافات با روسها را بهر نحو که برای آنها پیشرفت کند مقتضای مصلحت مملکت باشد تمام نمایند بفرموده برای این آمدن در کرسی خطابه که عرض بکنم بطوریکه آقای افتخار الواعظین فرمودند امشب در شب تاریخی برای يك دایمی که میدیدم که بيك برخاستن و نشستن تقدیر يك مملکت را معین میکند و حالا بنده عرض میکنم امشب يك شبی است که بنده باستانی از حسن شهرت صرف نظر کنم یعنی اگر بگویند آمد و طرف داری از روس کرد بنده باستانی باین مطلب راضی باشم برای اینکه فردا در مقابل تاریخ رسوا و مقتضج نباشم بنده عرض میکنم که در يك قیام و وقوف خودمان سر-نوشته مملکت را معین میکنیم پس حالا هر طوریکه صلاح میدانند و مقتضی میدانند رأی بدهید **رئیس** - تقاضا شده است که با و رفقای او را گرفته شود و تقاضا به ترتیب ذیل خوانده شد بمقام منبع ریاست مجلس اظهار میدارد ما اعضاء مملکت کاندگان ذیل تقاضای رأی با اوراق میکنم :

هشترودی - رضای دهخوارقانی - سیمان میرزا - وحیدالملک - خبابانی - ابوالقاسم میرزا

را تصویب نمیکند وزراء هم از مجلس يك کمیسویی را خواسته اند که با موافقت و مدد آن بکمیسیون بنشینند چاره جوئی بکنند و بدیهی است که هر چاره که جسته اند چون مستقیماً مربوط بملت است باید قبلاً بملت اطلاع بدهند و بعد اقدام بکنند اگر مقصود از تشکیل کمیسیون این شکل ثانوی است بنده همراه **رئیس** - مسئله تا تجزیه نشود نتیجه حاصل نمیشود این است که اول رأی بگیریم در باب اینکه وزراء بهتر اختیاراتی خواسته اند که بآنها داده شود تا بيك ترتیبی این کار را انجام بدهند اگر تصویب شد که بسیار خوب و الا رأی گرفته می شود در باب اینکه کمیسویی همانطوری که وزراء خواسته اند تشکیل و انتخاب شود اگر اینهم تصویب نشد آنوقت باید در استعفای آنها رأی گرفت حالا مذاکرات را آقایان کافی میدانند یا خیر (اغلب اظهار کردند کافیت)

وزیر امور خارجه - بنده فقط يك چیزی خواستم عرض کنم که ممکن است هر سه مطالب رد بشود تکلیف معلوم نشود پس بطوریکه فرمودند خوب است اول در پیشنهاد راجع با اختیار وزراء رأی گرفته شود در صورتیکه رد شد آنوقت در کمیسیون رأی گرفته شود یعنی در پیشنهاد راجع با اختیار دادن بيك کمیسیون با وزراء که هر قسم آنها موافقت حاصل کردند انجام بدهند و ختم کنند و اگر این دو فقره هر دو رد شد آنوقت استعفای وزراء مسلم است دیگر جای رأی گرفتن نیست **رئیس** - پس کتباً پیشنهاد نمایند

وزیر امور خارجه - بنده دو پیشنهاد را نوشته ام و بعرض آقایان میرسانم پیشنهاد اول اینست که مجلس شورای ملی بوزراء حالیه اختیار بدهد که مسئله اختلافات با دولت روس را بهر نحو که برای آنها پیشرفت میکند و مقتضای مصحت ممسکت میباشد تمام نمایند پیشنهاد دوم این است که مجلس شورای ملی کمیسویی تعیین نمایند که آن کمیسیون با هیئت وزراء دارای اختیارات لازمه بوده مسئله اختلافات با روسها را بهر نحو که برای آنها پیشرفت کند مقتضای مصلحت مملکت باشد تمام نمایند بفرموده برای این آمدن در کرسی خطابه که عرض بکنم بطوریکه آقای افتخار الواعظین فرمودند امشب در شب تاریخی برای يك دایمی که میدیدم که بيك برخاستن و نشستن تقدیر يك مملکت را معین میکند و حالا بنده عرض میکنم امشب يك شبی است که بنده باستانی از حسن شهرت صرف نظر کنم یعنی اگر بگویند آمد و طرف داری از روس کرد بنده باستانی باین مطلب راضی باشم برای اینکه فردا در مقابل تاریخ رسوا و مقتضج نباشم بنده عرض میکنم که در يك قیام و وقوف خودمان سر-نوشته مملکت را معین میکنیم پس حالا هر طوریکه صلاح میدانند و مقتضی میدانند رأی بدهید **رئیس** - تقاضا شده است که با و رفقای او را گرفته شود و تقاضا به ترتیب ذیل خوانده شد بمقام منبع ریاست مجلس اظهار میدارد ما اعضاء مملکت کاندگان ذیل تقاضای رأی با اوراق میکنم :

هشترودی - رضای دهخوارقانی - سیمان میرزا - وحیدالملک - خبابانی - ابوالقاسم میرزا

منتصر السلطان مساوات - احمد قزوینی - حیدر علیخان مجدداً پیشنهاد اول وزیر امور خارجه قرائت شد

سليمان ميرزا - بنده توضیحی میخواهم اجازه فرمائید

رئيس - بفرمائید

سليمان ميرزا - چون در این پیشنهاد نوشته شده است بنحویکه صلاح میدانید همانطوریکه وزیر امور خارجه فرمودند امشب شب تاریخی است و تقدیر ملک در آراه و کلا است و کلا می دانند که تقدیر ملک در آراه آنها است لکن خوب است واضح بفرمائید که مراد از این بهر نوعی که صلاح می دانند یعنی قبول سه ماده را هم اگر صلاح بدانند اختیار داشته باشند که قبول نکنند بدون اطلاع مجلس و ملت بنده چنین اختیاری را وراثی را در واقع رای قبول می دانم منتهی در پشت یک برده و میخواهم بدانم که این بهر نوعی که صلاح می دانند باین درجه وسعت دارد یا آنکه محدود است آنرا هم همین کنند و الا این هم مثل اختیار تام بای خودگان آنکایتنه خواهد بود بنحویکه توضیح نمایند تا تکلیف برای دهندگان معلوم شود

وزیر امور خارجه - بنده نمی توانم توضیح زیادی در این مسئله بدم بجهت اینکه وقتی که وزراء با خود کمیسیون داخل این مسئله شد باید اختیار داشته باشد تمام کند مل این که خود مجلس دارای این اختیار است داخل هیات و مذاکرات اینکار خواهد شد آن وقت هر طوری که صلاح طرفین است در قبول صلاح میدانند یا در هر طرف يك معایب و معاسرتی می بیند آنها را با هم دیگر قیاس میکنند هر طوری که صلاح مملکت را میداند ختم میکنند و الا باین طور که مطالب را تا تمام بگذاریم خطرات را جلب کرده ایم پس باید یکی از دو کار بشود قبول یا رد معلوم است قبول بشود چه تا در دردم بشود چه تا در دارد وقتیکه وزراء دارای آن اختیارات شدند خواهند دید تا چه اندازه یسرت می کنند و تمام اطراف را باستی بسنجند و از روی وجدان و آرزوی وطن خواهی که دارند مضار و منافع را باستی بسنجند آن وقت هر چه را که صلاح مملکت است که او آیا قبول کل خواهد بود یا رد کل خواهد بود یا تجزیه خواهد بود حکم بنده در این باب با آن کمیونی که امشب انتخاب می کنید مساوی خواهد بود همان طوری که آن ها نمیدانند که بچه شکل و یکی ختم میشود بنده هم نمیدانم اینها یک امطالی است که باستی پس از شروع در عمل معین شود و باستی وزراء و آن کمیسیون يك اختیاراتی داشته باشند که باسرت قبل از اینکه يك خطراتی بر ما وارد شود اینکار را تمام بکنند

رئيس - چند فقره پیشنهاد هم شده است باستی قرائت شود از طرف ناصر الاسلام بعبارت ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم که کمیونی از مجلس شورای ملی منتخب شده با اتفاق هیئت وزراء و رئیس مجلس شورای ملی در تحت ریاست و نظارت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه با اختیارات مشمول مذاکره شده مسئله اصلاحات با دولت روس را بهر نحو که صلاح بدانند خاتمه بدهند (از طرف فهیم الملك باینبارت قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم کمیونی مرکب از شش نفر از مجلس و شش نفر از خارج تشکیل شده با حضور والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه و رئیس مجلس شورای ملی در خصوص اولیتهای ما با آقایان وزراء مذاکره کرده و هر فراری که بر صلاح امر دادند بمجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند

وزیر امور خارجه - آن پیشنهاد اول یکی از پیشنهاد های بنده است منتهی قدری مفصلتر است لکن در پیشنهاد ثانی که بالاخره رای بمجلس بیاید و بعد در مجلس با زدها مذاکرات بشود همانطور که عرض کردم تعطیل امر میدانم و مقتضی نیست

رئيس - حالا رای میگیرم در پیشنهاد اول آقایان وزراء که اختیار بوزراء داده شود آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند ورقه سفید و آقایانی که تصویب نمیکند ورقه کبود خواهند داد (در این موقع شروع باخذ رای شده آقای حاج میرزا رضا خنل اوراق رای را باین صدها حصاء نمود ورقه سفید پنج ورقه آبی (۲۶)

رئيس - بلا تکلیف ماند رای میگیرم پیشنهاد دوم وزراء

وزیر امور خارجه - پیشنهاد دوم بنده موافق است با پیشنهاد آقای ناصر الاسلام بجهت اینکه اساساً تشکیل کمیسیون بود منتهی این است که جزئیاتی را هم علاوه کرده بودند بنده آنها را هم قبول دارم

(مجدداً پیشنهاد ناصر الاسلام قرائت شد)

سليمان ميرزا - این پیشنهادیکه آقای ناصر الاسلام فرموده اند که اختیار داده شود يك هیئت غیره و خواه يك کمیسیون مختلف و مختلف این حق را بنده بوجوه نمی دهم که در موضوع استقلال مملکت اختیارات و وظیفه خودشان را از گردن خودشان بردارند و بگردن هیئت دولت یا یک هیئتی مرکب از دولت و کلا بگذارند که بدون اطلاع مجلس و بدون اطلاع عموم ملت تمام بکنند در صورتیکه رای خودشان و رای عموم موکلین آنها معلوم شده که بر رد این مطالب است در این صورت چگونه در تحت يك برده که امشب کمیسیون است و اختیاری بهر نحو که صلاح بدانند یا آنها بهمیم که بر خلاف آراه تمام موکلین ما است این کمیسیون یعنی قبول اولیتهای ما با اختیارات بازم بنده تقاضای خودم را تکرار میکنم که رای باوراق گرفته شود تا معلوم شود کی ها این اختیار را میدهند

مهرزاد الملک - ابتداء باید بنده عرض کنم که اینجا مکرر گفته میشود شب تاریخی است امشب به امشب شب تاریخی است ولی این نکته را باید عرض بکنم که شأن و کالت اجل است از اینکه آن را باین که میدهند با وره غیر آنرا با قیام و قعود بدهند من میگویم آن کسی که وکیل میشود آن را باین که میدهد تفاوت نخواهد کرد برای او چه با ورقه بدهد و چه با قیام و قعود آن کسیکه وکیلان دارد برای او هیچ فرقی نمیکند بنده حقیقه تعجب میکنم بجهت اینکه ما مذاکراتی میکنیم که نتیجه اش بند معلوم نخواهد بود که چه خواهد بود ماهه میگویم که مشروطه هستیم ولی بنده عرض میکنم که مشروطیت يك قوانین و يك قراردادهائی دارد که باید بآن ها

عمل کرد اگر مشروطه هستیم باید در برابر سایر ممالک در چنین موافق چه میکنند در آنجاها یک مشروطیت در آنجاها ایجاد شده است باید دید در آنجاها چه میکنند همان طریق باید سیر کرد اولیتهای ما روس داده بود مجلس شورای ملی همانطوریکه وظیفه اش بود رد کرد ولی کلیه فرض بکنید يك اختلافی است بین دولت و مجلس در سایر جاها چه میکنند بنده از تمام آقایانیکه ادعای دانستن قوانین را میکنند سؤال میکنم در سایر جاها چه می کنند وقتی که در يك چنین موردی رای وزراء و دشت آن هیئت میروید بی کارش اینجام که وزراء رفته بعد مجلس شورا کمیونی را مأمور کرد و همان هیئت دولت را آورد روی کار چون آقای خیابانی گفتند کمیسیون خودش رفت بنده در قسمت خودم عرض میکنم من خودم پیش خود نرفتم مره مجلس مأمور کرد کمیسیون از طرف مجلس رفت بعد کمیونی بکنید برای رسیدگی باولیتها تمام معین شده بود رفت وزراء را آورد بمنتهی این قسمت از مشروطیت را که در تمام عالم هست خود مجلس تکرار کرد و باز وزراء را آورد روی کار شق ثانی چه میدانم در سایر جاها با مجلس میماند یا دولت خواهد گفت شق ثالث ندارد مگر اینکه گفته شود ما بگوئیم این کشمکش های دو هفته کی امتداد پیدا کند تا آنکه آنچه بکنید شاید واقع شود واقع بشود خوب هیئت دولت استعفاء کرد رفتند او را آوردند اولیتهای ما را هم همینطور که بنده هم جزو شما بودم رای دادید من هم رای دادم رد کردیم آنوقت چه باید بشود آخریک راه چاره هم باید ذکر کرد بانه ۲ من هم میگویم این عقیده را ندارم که کایتنه تغییر بکنند چرا برای اینکه من باین کایتنه اعتماد دارم اما آن کسیکه میگوید باید کایتنه تغییر بکنند او باید بگوید کایتنه من فلان است و پروگرام او این خواهد بود تا من هم بهیتم اگر موافق رای بدم و الا اینکه بگویند عرو برود بجایش زید بنده در صورتیکه زند نمیدانم چه خواهد کرد این نشود و باین حضور رای بدم پس این شق هم نمیشود کرد پس چه باید کرد حالا کوزراء را آوردید و آنها اطمینان دادند و وزراء می گویند با اختیار بدهید یکی از آنها که رای دادند در اختیار دادن بوزراء من بودم بجهت اینکه بنده هیچیک از وزرای حالیه را کمتر از خود نمیدانم حیث ایران دوستی و وطن پرستی حالا که این مسئله اولی رده که اختیارات را بآنها نمیدم می گویند يك کمیونی معین بکنید از خودتان که باین مطالب خاتمه بدهد اینطور که نمیشود باین مجلس خصوصی مجلس سری نطق این زندگی نمیشود يك هیئتی را معین بکنید از يك چنین مسائل مهمی در تمام دنیا معین شده است که يك هیئت هشاد نفری نمیتواند کار بکند يك هیئت کوچکتری پیدا میکنند با يك اختیارات معینی که بهنشینند و کار را قطع بکنند بی تکلیفی در تمام دنیا بدترین چیزها است يك چیزهای خیلی بدی بهتر از بی تکلیفی است

وزیر امور خارجه - آقای سلیمان میرزا فرمودند که مجلس و نمایندگان حق ندارند که اختیارات بدهند اختیاراتیکه بآنها رجوع نشده است خاصه اگر با استقلال مملکت برنخورند هیچ و کلا حق در توکیل ندارند یعنی وکالتی که دارند بدیگری بدهند و دیگری را مأمور کنند برای انجام کار

این فرمایش را بنده عرض می کنم بواسطه نداشتن تجارت سیاسی و بواسطه نخواستن تواریخ است در تمام دنیا از اول تاریخ عالم تا امروز در ممالکی که مشروطیت و جمهوریت در آنجاها تأسیس شده است و قیامی مثل این واقعه امروزی ما خیلی خیلی واقع شده است رومن ها و مردم یونان اشخاصی بودند که در کار مشروطیت و حکومت ملی در اول از مؤسس این اساس بوده اند از اول امر زندگی ایشان باین ترتیب بوده است بعضی از آن ها یعنی بعضی مجالس شان مرکب بوده است از تمام اشخاص اهل آن شهر (آن لوت و توتی) ها جمع میشدند یعنی آنقدر در مشروطیت تند بوده اند که در مشروطیت با در جمهوریت که میگفتند وکیل انتخاب کردن صحیح نیست ما باید برای خودمان وکیل انتخاب کنیم باید خودمان امورات خودمان را انجام بدهیم همین اشخاص که آنقدر در این اساس معسر بودند نظر بيك قانون طبیعی نظر بيك قانون مسلم که سلامت مملکت رعایتش بر هر قانونی مقدم است و فیکه در يك چنین امر مهمی مبتلا میشدند اینکفر را انتخاب میکردند و اسس را میگذاشتند دیکتاتور و میگفتند چون اینکار مشکل شده است مجمعی از زیاد و اشخاص زیاد و مختلف نمیتوانند کار بکنند بواسطه آراه متباین و اغراض متعدد و ناچار کار را بيك نفر واگذار میکردند میخواستند آن يك نفر مملکت را بیاد بدهد میخواست باقی بدارد آنها اینطور بوده اند و آن مسئله هم الان هست و اختیارات میدهند بيك هیئت هائی یا بيك اشخاصی که هر طور صلاح دانستند عمل کنند علاوه بر این در بعضی موافق اختیار را میدهند بيك اشخاصی که از خود مملکت نیستند مجلس لاهه برای چیست وقتی که يك مخمصه بین دو دولت پیدا شد که خود آن دو دولت نتوانستند حل بکنند میدهند بيك هیئت خارجی که او هر چه میخواهد بکنند پس این عقابند در دنیا هست عرض کردم شب تاریخی است باید سلامت مملکت را من بشهرت ترجیح بدهم باید بيك طوری حرف بزنیم که لازمه وطن پرستی و وطن دوستی در آن است نه آنکه بطور دماغ کوزی و عوام فریبی باشد بنده هرایش خودم را میگویم برای اینکه رفع مسئولیت از خودم کرده باشم و از این اطاق خارج شوم

رئيس - منترسیم وقت بگذرد و مذاکرات بجائی نرسد خوبست رای بگیریم

سليمان ميرزا - بنده توضیحی دارم چیزی به بنده نسبت داده شده است باید رفع کنم

رئيس - مذاکرات طولانی خواهد شد پیشنهاد ناصر الاسلام دوم مرتبه خوانده میشود (مجدداً پیشنهاد ناصر الاسلام خوانده شد)

رئيس - آقایانیکه این پیشنهاد را قبول و تصویب میکنند ورقه سفید و آقایانیکه تصویب نمیکند ورقه کبود خواهند داد

در این موقع شروع باخذ رای شده حاج میرزا رضا خان اوراق رای را باینه ذیل حصاء نمود ورقه سفید (۲۹) ورقه کبود (۱۷)

رئيس - اینهم بلا تکلیف ماند

وزیر امور خارجه - بنده بلا تکلیفی در در ا در يك حکم میدانم بجهت اینکه بلا تکلیفی خیلی بد است و عرض میکنم هر چه زود تر تصمصیم

خودشان را در تعیین کایتنه همین امشب معین بفرمائید که موقع خیلی باریک و مهم است (در این موقع وزراء از مجلس خارج شدند)

رئيس - پس چند دقیقه در آن اطاق باشید

حاج سيد ابراهيم - اولاً بنده تعجب میکنم از اشخاصی که امتناع میکنند باید تکلیف روز قبل معین شود اینجا هیچ جای تردید نیست یعنی کسیکه در این موقع رأی را ندانند که یا یا حالات آخر یا حالت اول مملکت است و تکلیف يك مملکتی را در آخر حالت یا در اول حالت باید معلوم کند و رای بدهد اینچور آدم نباید اینجا حاضر بشود و نایباً آقایانیکه رد میکنند یا امتناع می کنند يك پیشنهادی بکنند راه حل این مطلب باین شکل میشود و الا اشکال کردن و در دفع اشکال همراهی نکردن این خودش يك عیب بزرگی است چه معنی دارد ولیکن راه حل را نگویند رهم بکنند تا مملکت برود این عین مسئولیت است نه رفع مسئولیت است و هر چه باین مملکت وارد شود یعنی از عدم حضور این رأی تمامش بر گردن آنهاست که رأیشان معلوم نیست و تعیین تکلیف نمیکند و تکلیف خودشان را نمیدانند باید بعد از بیست روز دیگر حالا ما راه کار را دانسته باشیم که چه طور باید کرد یعنی عقیده مان باید معلوم شده باشد و راه چاره را بگویند اگر نه شاید خدای نخواست از طریق عدم اظهار رای میخواستند مملکت بمسامه از بین برود

رئيس - گمان میکنم با این طریق مذاکرات نتیجه نداشته باشد و بی موضوع حرف خواهند زد گمان میکنم مجلس را ختم کنیم بهتر است

رئيس حرکت کرد و مجلس دو ساعت و چهل دقیقه از شب گذشته ختم شد

جلسه ۳۳۳

صورت مشروح شب پنجشنبه ۲۹ شهری حجة الاحرام ۱۳۲۶

مجلس پنج ساعت و نیم از شب گذشته در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک افتتاح گردید صورت مجلس روز دو شنبه را آقای آقا میرزا رضا خان نائینی قرائت نمودند

غائبین جلسه گذشته بدون اجازه آقایان زنجانی حاج آقا . دهخدا . منیر السلطان . اعصاب الملک فرزانه . میرزا آقا سعید محمد باقر ادیب . لواء . الدوله میرزا یانس

رئيس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد چون دو فقره تقاضا های آقایان وزراء بریروز بلا تکلیف ماند و وقت خیلی تنگ است بنشاد که امشب جلسه تشکیل شود و تکلیف این فقره معین شود این است که جلسه عسلی را تشکیل دادیم چون مذاکرات زیاد در این باب شد است خواهش دارم از آقایان برای اینکه تکلیف این مطلب هر چه زودتر معلوم شود مذاکرات را مختصر بفرمائید

آقا شيخ محمد خیابانی - دیشب بریروز بریروز دو پیشنهادیکه از طرف وزراء شده بود یکی اختیار داده میشود به آقایان وزراء که هر نوعیکه صلاح میدانند این مسئله را حل کنند یکی

هم اختیار دادن به کمیسیون که از طرف مجلس منتخب شود که هر طوری که صلاح میدانند مسئله را ختم کنند و در جلسه گذشته قبول نشد و بلا تکلیف ماند و از اشخاصی که با این ترتیب چه اختیار دادن بخود وزراء و چه بکمیسیون مخالف بودند متعدد بودند کاز آن جمله یکی بنده چون حالا در همان مخالفت خودم باقی هستم می بینم عهده که برای تصویب کمیسیون رای داده بود کافی نبود و شاید حالا کافی شده باشد این است که امشب را چنانچه اظهار شد بنده با کمال صمیمیت میگویم امشب را شب تاریخی میدانم خیلی شب تاریخی است که عهده خودم را میخواهم بگویم و بفهمانم این است که بنده راضی نیستم باین اختیار و علاجی هم در نظر داشتیم و بدبختانه موفق نشدیم چون معنی کنند را هیچ عاقلی نیست کاز او دلیل یا يك علاجی نخواهد یا اینکه اگر يك علاجی را بگویند و ممکن باشد نباید قبول کرد و بدتر از آنکه این قاعده بمن اجازه میدهد که بگویم که امروز ۲۲ روز است مسئله اولیتهای ما پیش آمده است یکی دو روز آن مشغول صحبت بودیم تا برسیم بآن ۸ ساعت کمیونی که منتخب شده بود بعد در مجالس سری صحبت شد بالاخره آمد بمجلس و در مجلس مذاکره شد و قبول نشد یعنی با اتفاق و کلا رد کردند و امروز رای هیئت وزراء در این باب که نماینده و دفاع کننده از آن رای هم آقای وزیر امور خارجه بودند که در واقع اینکار هم از جمیع ایشان بود دفاع نمیکردند و خیلی هم جدید داشتند و ما باین بودند که اینکار تصویب شده و اینها واقعا مایل بودند همان پیش آمده تصویب شود و اینها واقعا مایل بودند این بود که باید قبول شود یعنی البته هر شخصی وقتی که يك عقیده پیدا کرد منطق تصدیق می کند که هر چه عقیده دارد باید تصدیق بکند البته بيك شخص وطن خواه عالی نامه آن راههای معتدله را که غیر از قبول ممکن است طی کرده و غیر از قبول فکر دیگری بنظرش نرسیده چون ما بوس شده است این است که عقیده اش این شده است که باید قبول بشود و من می بینم و خیال کردم که دیگر این آقای وزیر امور خارجه غیر از اینکه قبول بکنند چیز دیگری بنظرش نرسد این بود که ما هم علاج غیر از قبول میمانستیم از قبیل تبدیل یا چیزهای دیگر که معاوضه بکنیم یا بعضی چیزها ما هم بيك دولت آنها هم بيك دولت و مملکت ما هم خالی نبود از اشخاصی که این عقیده را پیش ببرند این بود که ما هر طور بود رساندیم که علاج اینکار این بود که این وزراء با اینکه در امورات جاریه مملکتی متحمل اطمینان هستند چون اینکار از آنها یسرت نمیکند باید اینها کنار بکشند و بيك اشخاص دیگر روی صکار بیایند به اوائل چنانچه صحبت شد مرد بودیم و آن کمیسیون هم تشکیل شده بود ولی هر وقتی آقای وزیر امور خارجه تشریف آوردند اظهار نکردند که غیر از دادن دیگر علاجی نمیدانیم آن وقت ماقاطع و جازم شدیم که باید وزراء داخل اینکار نشوند چرا برای اینکه آن نظراتی که دیگران دارند می ماند بلا تکلیف که باید در آنها داخل شد و آنها را ببینیم چه اثر میکند حالا چه شد من میخواهم بگویم و موقع تصمیم نیست مختصراً عرض میکنم که لازم بود در همان وقتیکه اولیتهای ما رد شد وزراء استعفا رسمی بدهند یعنی رسماً از طرف والا حضرت

آقای نایب السلطنه اخطار بشود که وزراء استعفا دادند یا رئیس الوزراء استعفا داد و مجلس کاندیدای خود را معین کند نمیدانیم چه بود که اینطور نشد و ماندیدیم بلکه استعفا دادند ولی استعفا رسمی صحیح کامل نشد از کار کناره کشیدن و کاروا موقوف گذاشتن شد پس علاجی که در نظر ما بود و رد میکردیم این بود که یک عده اشخاص دیگر میتوانند این اموز را بشکل اصح انجام بدهند و نشد در این ۲۲ روز تا حالا که رسید اینجا که در شش ساعت از شب گذشته مجبور هستیم که باین کار یک دای یک طرفی بدهیم برای آن فشار هائیکه از طرف دولت روس داده میشود پس باین نقطه رسیدیم تصویر آن اشخاصی نبود که یک علاجی داشتند حالا که کار اینجا رسیده است و گویا اشخاص که داخل یکسیون بودند شاید رأی بدهند بآن یکسیون با برای اختیار وزراء که هرطور صلاح میدانند عمل کنند و از آنجا که ماری وزراء را از اول فهمیده ایم و هیچ نکته اند که از آن عقیده مان برگشته ایم از این جهت منطق ما اجازه نمیدهد که غیر از آن رأی که داده ایم رأی بدهیم و در آن رأی باقی هستیم چرا که خودمان مختار هستیم و باید بدانیم این مسئله خیلی خیلی مهم چطور خواهد گذشت این است که ما رد خواهیم کرد یعنی بنده بآن اشخاصی که رفقای بنده هستند رد خواهیم کرد و رأی نخواهیم داد و از آنجا که در من در خارج دیده ام کسانی را که رد کرده اند در آنجا کسی را ندیده ام که تمایل بقبول باشد پس هر کس رأی میدهد متمایل است بقبول شدن و من نمیتوانم این رأی را بدهم و چون احترام مجلس لازم است بنده امشب حاضر شده ام برای اینکه ورقه آبی خود را بدهم از برای این مسئله و هر چه پیش آمده همه آنهاست که قبول خواهند کرد.

رئیس - موضوع مذاکره آن فقره اولی تقاضاها است باقره دوم است این را وزراء باید بفرمایند که معوم شود.

وزیر امور خارجه - موضوع حالتاً تشکیل یکسیون است با اختیار برای تمام کردن این مسئله **مهرزاد ملک -** چنانچه اینجا ذکر شده است مسئله اولیاتیام دولت روس که پیش آمد بود دولت ایران پیشنهاد شد در باب اولیاتیام ممکن بود نظریات مختلفی پیدا شود ولی همه تصدیق خواهند کرد که این مسئله بقدری بزرگ و مشکل است که فقط آتیه میتواند ثابت بکند و نشان بدهد که کدام یک از این نظرها صحیح بوده و کدام غلط بوده کدام موافق منافع خصوصی مملکت بوده و کدام مخالف بوده است چنانچه در اینجا ذکر شد در جلسه گذشته هم ذکر شد اگر چه اینجا هم بنده عرض کردم حالا هم تکرار میکنم که وقتی که یک اولیاتیامی رد شد وزراء باید استعفا بدهند این حرف خیلی صحیح است این یکی از اصول مشروطیت است وقتی که یک اختلاف نظری بین هیئت وزراء و مجلس حاصل میشود باید یکی از آن دو تا منحل بشود طبقاً معینطور هم شد و وزراء همین کار را هم کردند و دوباره یادآوری میکنم چنانچه آروز گفته که همان یکسیونی که معین شد برای اینکار همان یکسیون هم از طرف مجلس مأمور شد که وزراء را بیاورد روی کار پس از این جهت نمیتوان تصدیق وزراء

وارد آورد خاصه اینکه آنها همین وظیفه پارلمانی خودشان هم عمل کردند پس از این حیث نمیتوانیم بگوئیم آنها تصور کردند غیر آنها تصور نکردند لکن مجلس شورای ملی هیئتی را معین کرد از برای آوردن آنها و در صورتیکه خود مجلس یک هیئتی مأمور اقدام اینکار میکند خود همین مأموریت معلوم میکند که مجلس شورای ملی باین وزراء اعتماد دارد والا هیچ معنی و دلیل منطقی نداشت که وزراء بروند دومرتبه باز مشغول کار شوند و با وجود اینکه اینکار شد بعضی آقایان گفتند راه چاره این بود که کابینه دیگری که نظرش غیر از کابینه حالیه باشد منصوبی امور شود بنده مجبور عرض کنم بواسطه اطلاعاتیکه در این باره شازده روز حاصل کرده ام و در این امر شرکت داشته ام میتوان عرض بکنم که از این حیث هم فصولی و مسامحه شده است و تصور نشود که نمایندگان در این باب هم نخواسته اند اقدام بکنند در این خصوص هم اقدامات مجدانه با موافقت تمام نمایندگان بدون فرق احزاب و بدون ملاحظه و نظریات حزبی شده است و حتی خواستند یک چنین کاری متعاقباً بکنند حتی اینکه یک قسمت عده از نمایندگان که اعتماد کامل باین کابینه حاضر شده اند حاضر شدند که برای جلب رضایت خاطر یک عده دیگری یک کابینه تشکیل بدهند لکن موفقیت حاصل نشد یعنی در کلیات و در تئوری ممکن بود ولی داخل در عملیات اینکار که شده دیدند موافقی در پیش است که داخل شدن در آنکار مشکل است پس این مختصریکه عرض کردم یک تاریخچه بود از این چند روزه حالا میرویم سر خود مطلب مجلس شورای ملی چنانچه وظیفه اش بود آن اولیاتیام را زد کرد ولی همین مجلس وظیفه دیگری هم داشت که داخل مذاکره شود و راه چاره پیدا کند باین جهت یک راه مذاکره باز گذاشت یعنی گفت وزراء بروند مذاکره بکنند و شاید یک شکل دیگری ترتیب بدهند و نتیجه مذاکرات خودشان را بپس آورند حالا که خود مجلس شورای ملی این راه را باز گذاشت و این نظر را داشت دولت داخل مذاکره شده حالا امر دائر است بین دو چیز یا این است که چون این مسئله با اطلاع خود مجلس بوده است باز هم جزئیات آن با اطلاع مجلس باشد این قسمت را همه تصدیق میکنند (یعنی عقیده بنده) که عملی نیست یا خیلی کم عملی است بجهت اینکه باین تنگی وقت یک چنین چیزی را با یک هیئت همتاد یا همتاد نقره مذاکره کردن بدیهی است نتیجه سرعت حاصل نخواهد کرد و یکی از شرایط حسن جریان کار شاید تندی و سرعت در بعضی اقدامات باشد پس بنده عرض میکنم این شق عملی نیست در این صورت اگر دولت تقاضائی بکند که همان مجلسی که باید مطالب با اطلاع او حل شود یکسیونی را معین کند از طرف خودش برای اینکه آن عده همتاد همتاد نقری نباشد و عده کمتر باشد تا زود تر نتیجه گرفته شود این نکته هم باید گفته شود که وقتی که مجلس یک یکسیونی منتخب میکند در واقع آن یکسیون؛ مجلس کوچکی است یعنی یکسیونی است که محل اعتماد مجلس است و آن هیئتی که طرف اعتماد مجلس است میتواند قائم مقام مجلس باشد و داخل مذاکرات بشود و نتیجه اخذ بکند و کمک فکری با وزراء بکند و پس از حصول نتیجه آن امر را

انجام کند و این مسئله برایش مجلس آموذلات تکلیف ماند ولی از خود این مسئله که یک عده از نمایندگان تغییر عقیده داده اند و موافق شده اند معلوم میشود و ثابت میکند که این کار کار بدی نیست و این را هم عرض کنم که آن عده که حاضر شده اند این رأی را بدهند از یک حزب معینی نیستند احزاب مختلفه در این کار شریک هستند بدون فرق احزاب این نکته را هم باید بگویم که در مجلس آن دسته های احزابی نیست و هر یک از نمایندگان برای خودشان واگذار شده اند و به همین جهت در ظرف این دو روزه افکار بخته شده است و در تشکیل این کمیسیون احزاب شرکت خواهند کرد و بهمان جهت که عرض کردم که وقت غنیمت است و باید یک نتیجه گرفته شود و یک خاتمه باین مسئله داده شود باین جهت بنده هیچ بد نیسیبم که یک مجلس ۷۰ نفری یک مجلس یک مجلس کوچکی تشکیل بدهد که با وزراء داخل مذاکره شده باین کار خاتمه بدهند و این مجلس کوچک از حیث اعتماد همان همراه بشوند و این مسئله را خاتمه بدهند و هیچ فرق نمیکند **آقای مهرزاد احمد قزوینی -** بنده نمی خواستم چیزی عرض کنم ولی فرمایش آقای مهرزاد ملک مرا مجبور کرد که یک چیزی عرض بکنم اما آنکه فرمودند مسامحت شد در تشکیل کابینه دیگر و موفق نشدید بنده این را قبول ندارم یک مسئله مسلم است در همه جای عالم که با بودن یک هیئتی در سر کار آن هم با اقدامات مخصوصه البته یک دسته دیگری روی کار نخواهد آمد ولی در اصل مطلب بنده هم معقیده هستم با آقای خیابانی و کاملاً موافق هستم با ایشان و عرض میکنم که این مملکت مال و کلا نیست مال وزراء هم نیست مال اهالی این مملکت است بعد از آنیکه مجلس این را رد کرد بتمام اهالی گوش زد کرد و تمام اهالی تصدیق کردند و امروز که یکسیونی معین می کنند و اختیار بآنها میدهم معنی این یکسیون این است که اگر لازم شد قبول نکنند مخالف آن رأی که مجلس داده است خواهد بود و البته مانی توانم تصدیق کنیم که یک عده مختصری منافع یک مملکتی را بیشتر از عموم اهالی آن مملکت میدانند.

مهرزاد ملک - فقط یک قسمت نطق بنده راجع است بتشکیل کابینه بنده عرض کردم باز هم عرض میکنم و اگر بخوانند دوبار هم توضیح میدهم که در خصوص تشکیل کابینه دیگر هیچ چه از طرف نمایندگان اشکالی پیش نیاید و خود بنده موافقم که اشکالات عملی پیش آمد که موفق نشدید و بنده دیگر واضح تر از این نمی توانم چیزی عرض کنم.

حاج سید ابراهیم - بنده میخواهم عرض کنم در آن مسئله که فرمودند ولی عرض میکنم که پس از آنکه تقاضاها را مجلس رد کرد و کلا دولت تمام طرق و راههایی را که برای اجراء این مقصود باید بیاید طی کردیم و از هر اقدامی که باید بکنیم تقاضا نمودیم راههایی که ممکن و منظور بود برای حل این مسئله در این ۲۲ روز بیفودیم و استعفا میکنم که شرح جلسات سری و خصوصی این مسئله را هم چاپ کنند تا اینکه همه میدانند و عامه ملت هم بفهمند که ما کوتاهی نکردیم روزها و هم چنین شها تا ساعت هفت و هشت مشغول بودیم چه در مجلس و چه در جاهای دیگر و هیچ راهی برای حل این مسئله پیدا

نکردیم حتی اینکه بعضی از کاندیدها و اشخاصی که در نظر داشتند برای وزراء آتیه بیان کردند معلوم شد که آنها هم نظرشان مخالف با این نظر نبود و مسامحه بوده بنده عرض میکنم پیش از این نباید این مسئله را لا ینجل گذاشت که از این جهت زحمت دیگر بیش آید فرضاً یک مریض را اگر ببینیم که در حالت احتضار است آیا این را باید گذارد و بسامحه گذرانید تا بپیرد یا باید یک دوائی و طبیبی برای او آورد و فکر چاره را برای او کرد البته باید فکر چاره کرد سکت نشستن که فایده ندارد در اینخصوص هم همین طوری که عرض کردم بعد از آنی که راه های متصوره را تعقیب کردیم فکر چاره همان منحصر شد باینکه یا همین وزراء اختیارات بدهیم و ختم عمل بآنها رجوع بشود یا اینکه یک کمیسیونی تشکیل شود از طرف مجلس که با وزراء تبادل افکاری نمایند و هرطور صلاح بدانند و ممکن باشد این مسئله را حل میکنند که یک جانی خاتمه پذیرد اینکه مبرم ایند از ایالات و ولایات از هم ملت تفکرات است که در همراهی با جان و مال خودشان حاضر قبول دارم و تصدیق میکنم ولی از آن طرف هم تصور بکنم اگر شرح این وقایع را به ملت اعلام بکنند تصدیق خواهند کرد که چاره همین است و خواهند گفت چرا زودتر اینکار را نکردید و چرا باینجا انداخته اید که دچار صدمات دیگر بشویم و عرض میکنم اگر ملت این نمایندگان را نمایندگان خودشان میدانند و اینها نماینده آنها هستند باید بدانند که اینها هیچ فصولی در خدمت خودشان نکرده اند و امروز صلاح مملکت را در انقاد این یکسیون می دانند که اقدامی بشود و هر اقدامی که بکنند هیچ بنده متزلزل نمیکند و عرض می کنم خوب بود که این یکسیون سه روز پیش انتخاب میشد که اموراتش زودتر و بهتر صورت میگرفت آن یکسیونی هم که پس از از طرف مجلس رفت و وزراء حالاً بر سر کار آورد بعضی از اعضاء آن همین مخالفین بودند مثل آقای آقا شیخ محمد خیابانی و آقای سلیمان میرزا و آقای وحید الملک و چند نفر دیگر که مأموریت داشتند و رفتند این وزراء را آوردند پس دیگر نباید اشکال کرد و اگر باز بعضی اشکال مبرم ایند خواهش میکنم که اگر راه حلی برای این مسئله دارند که سایرین در آن تصور کرده اند و همراهی نکرده اند آن را بفرمایند و اگر رادمیگری برای ملاحظه صلاح مملکت بود تعقیب نشد پس آنرا بفرمایند لکن پس از آنکه معوم معین شد که هیچ راه حل دیگری ندارد پس گمان میکنم که همین یکسیون خیلی خوب است و صلاح مملکت هم در اینست که این یکسیون تشکیل بشود و لول اینکه از بعضی جهات بعضی نمایندگان موافق نباشند همه عقیده بنده تصور میکنم که صلاح باشد **رئیس -** گویا مذاکرات کافی باشد (اظهار شد کافی است)

هشتم زدی - بنده مدتی است اجازه خواسته ام.

رئیس - شاهام بفرمایید دیگر اجازه داده نمیشود برای اینکه بریزو روزه لازم بود در این خصوص گفته شد

هشتم زدی - بنده ساعتی را که حالا ملاحظه کردم نصف شب است یعنی دقیقه یازده دقیقه مانده

است تا نصف شب و خود این حاکی است که این مطلب خیلی اهمیت دارد حالا تاریخی بودنش را عرض نمیکند یعنی این مطلب از آن مسائل اساسیه مملکت است و شاید بتوانم عرض بکنم که تقدیر این مملکت در این شب تمام میشود این است که بنده هم چون سابقاً دو سه روز پیش از این در مورد پیشنهادی که در این خصوص هیئت وزراء مجلس کردند بنده مخالف شدم و یک راهی آن روز عرض کردم و پیشنهادی که داشتم گفتم ولی طرف توجه نشد است هم عرض خودم را عرض میکنم بنده عرض میکنم که باید حکماً حرف بنده قبول بشود بجهت اینکه بنده هم یک نفر از این و کلا هستم بلکه یک قدری هم ضعیف تر جهتش هم این است که معلوم است دیگر سن بنده هم گذشته است و آرزوی مرگ هم میکنم ای کاش مرده بودم و در این موقع این جا نیامدم ولی عرض میکنم این پیشنهاد را که آقای وزیر امور خارجه اینجا آوردند بنده یک راه چاره آن آن پیشنهاد بنده را شاید چند راه دیگر هم تا حالا پیدا کرده بودند چنانچه عرض بکنم من هم یک کمیسیونی را عقیده دارم ولی زمینه سازند که این اختیارات درست باشد چون بنده وکیل شده ام که این جا رأی بدهم نه این که اختیار خودم را بدهم دیگری بدهم که او برود در یک کاری رأی بدهد آن کمیسیونی را که بنده عقیده داشتم و حالا هم عقیده دارم آن همان کمیسیونی است که زمینه ساز باشد صریحاً هم در نطق خودم نوشته شده است چون میدانند آقایان که یکسیون برای این است که مذاکرات کنند و مباحثه کنند بپیدا آورند به مجلس رأی یکسیون هیچوقت قطعی نمیشود تا حالا که بنده اینطور دیده ام از انگلیس و هندوستان هیچ خبر ندارم ولی اینجا اینطور دیده ام بنده عقیده ام این بود که یکسیون زمینه سازند یعنی چند نفر منتخب شوند و زمینه درست بکنند چندان راهی را معین کنند شاید در یک راهش هم بنده داخل میشدم و رأی میدادم این را نکرده اند تا امشب و حالا امشب مثل این است که بنده را بیاورند پشت بام و بخواهند برت کنند در آنجا ناچار هستم مختار نیستم تا اختیار بندهم اگر ملت عرض من بشود میدانند که این کلمه خودش منطقی است حالا شرحی بودن یا نبودنش را عرض نمیکند چون این مقام رسمی است و این مطلب هم تا امشب مانند حالا بنده بدون اختیارم چطور اختیار بدیگر بدهم برای اینکه باین ترتیب من خودم مسلوب الاختیار شده ام و اگر این ضیقها مرا بی اختیار نکرده بود در این دل شب اینجا چه کار میکردم پس معلوم میشود که بنده در کمال اختیار خودم را مجبور میدانم و چون بنده وکیل و نماینده هستم و در اظهار عقیده نباید مجبور باشم این است که آن عقیده خودم را اظهار میکنم که یکسیون باید زمینه ساز باشد و دو سه ساعت بنشینند و زمینه سازند بنده هم اینجا هستم جانی نیروم بعد از دو سه ساعت باز مجلس عینی بشود زمینه را بیاورند من هم هستم بعد از مذاکرات رأی خودم را خواهم داد شاید چند نفری هم باشند که بامن هم عقیده باشند و الا غیر از این اگر باشد مخالفم با اختیار دادن نه وزراء و نه یک کمیسیونی که مجلس انتخاب میکند بجهت اینکه اختیار دادن ما ها فرع بر این

است که ما خودمان اختیاری داشته باشیم والا ذات نایافته از هستی بخش - کئی تواند که شود هستی بخش - بنده الان مضطرب چطور اختیار بدیگری بدهم وقتی که دست مرا به بندند چطور ممکن است که اختیار بدیگری بدهم این است که بنده با این ترتیب مخالفم و مخالفت خودم را اظهار میکنم و این راهم لازم است عرض کنم که اینجا یک اشاره شد که فرق سیاسی منحل شده است بنده عرض میکنم چنانچه تشکیل فرق در پارلمان شده باید انضباطش هم در پارلمان بشود آن رفت رسی میشود والا در مجلس مخفی یا در خارج رفتن و استعفا دادن رسی نیست و فرق همان طور بحال خودشان باقی هستند و بنده ایشان را رأی بانی میدانم مگر اینکه در مجلس رسماً استعفا بدهند و در اصل مطلب هم همان طوری که عرض کردم با نظور مخالفم و مخالفت خودم را عرض کردم.

وزیر امور خارجه - در اظهارات آقای مهرزاد ملک مطلبی بود که گفتند اثرات خوب باید رأی حالیه آتیه معین خواهد کرد و حالا معلوم نیست که ما چه جور رأی بدهیم که اثرش خوب خواهد شد یا نه بنده عرض میکنم اثرات رد یا قبول از همین حالا معلوم است و تمام منشاء اختلافیکه بین رأی وزراء و بعضی نمایندگان محترم است همین مسئله است که وزراء و بعضی آقایان تصور میکنند که ورود قشون اجنبی بیای تخت و قلب مملکت یک مضار خیلی خیلی بدی دارد و معلوم است که البته رفع این مضار و معظورات بهتر است پس فایده قبول این مطلب عجالتاً وارد نشدن قشون اجنبی است در پایتخت مملکت که مسلماً پس از ورود یک نتایج بد دیگری بر آن متصور خواهد بود که قبل از این که وارد شود آن نتایج را نمیتوانم عرض بکنم و امیدوارم با همراهی نمایندگان محترم از آن نتایج این امیر باشم اولاً خواستم این نکته را خدمت آقایان عرض کنم و بعد در سر یک مسئله که بریزو روزه اینجا عرض کردم که اگر واقماً یک شیعه در خاطر آقایان هست رفع شوند میکوبند کابینه که آن روز لایحه اش رد شد استعفا نداد این مسئله یک شیعه غریبی است و یک مفالطه ای است که بنده میدانم چطور در رفع او توضیحات بدهم بعد از اینکه کابینه وزراء در دفعه اول آمدند در مجلس و پیشنهاد کردند که با یستی اولیاتیام قبول شود و مجلس رد کرد و وزراء استعفا دادند و همانطور که آقای مهرزاد ملک گفتند کمیسیونی که بعضی اشخاص هم که حالا رد میکنند و اظهار عدم اعتماد بوزراء میکنند در آن کمیسیون بودند و اشخاص هم که خارج از مجلس بودند در آن کمیسیون بودند و بدون اختلاف مخصوصاً عرض میکنم با خیلی خیلی مبالغه و اصرار و الناح آن کمیسیون بالاتفاق وزراء را حاضر کردند که در کارهای خودشان حاضر شوند و مداومت بدهند و مذاکره بکنند که بلکه کاروا یک جانی منتهی بکنند و نگذارند این رشته بکلی گسسته شود و وزراء هم رفتند بیک مذاکراتی کردند و اقداماتی نمودند که اگر بنده بخوام آن ها را شرح بدهم خیلی مفصل و اسباب زحمت و تصدیق خواهد شد ولیکن اوراق و نوشتجات و دوسه ما همه حاضر است و ممکن است یک وقتی حاضر کنم

نمایندگان محترم ملاحظه بکنید و بدانید وزراء هیچ کدام از کار خودشان کوتاهی نکرده اند مخصوصاً وزارت امور خارجه که خیلی اقدامات کرده است اما آفدیم سر مسئله پریروز که وزراء آمدند و دوسه پیشنهاد کردند به مجلس شورای ملی یکی اینکه اختیارات تمامه بوزراء داده شود یکی اینکه کمیسیون معین شود و اختیاراتی بآن کمیسیون داده شود یکی اینکه این کمیسیون وزراء کنار بروند که مسئله اول و دوم که دادن اختیارات تام بوزراء و کمیسیون بود بلا تکلیف ماند و مسئله دیگر که تشکیل يك کابینه دیگر باشد بنده همان روز اینجا عرض کردم در صورتیکه آن در مسئله رد شد میباید يك کابینه دیگر را تشکیل داد و این هیئت استعفا بدهند ما از اینجا رفتیم بخيال این که استعفا بدهیم و خیلی امیدوار بودیم که شاید انشاءالله کابینه دیگری تشکیل بشود که واقعا بتوانند نقطه نظر بعضی از آقایان را پیش ببرند و يك مصلحتی بهتر از آنچه این کابینه میتواند برای مملکت تهیه کنند ولی چونکه لابد يك مسئولیتی وجدانی هم داشتیم و نایستی کار مملکت را هم يك باره معوق بگذاریم که دیگر هیچ طور اصلاح نشود سعی کردیم و مطالبه کردیم که آیا يك کابینه دیگری تشکیل می شود یا نه پس از اینکه درست در این امر مطالبه کردیم و درست در این کار تحقیق نمودیم و آذیدیم که واقعا خیلی خیلی مشکل است و تقریباً مثل آن توپچی است که از او پرسیدند که چرا توپ نینداختی گفت به دوازده دلیل دلیل اولش این است که باروط نداشتیم گفتند دلایل دیگر را لازم نیست اقامه کنی دیدیم کار مملکت باین رسیده که خیلی نزدیک است قشون اجانب بیای تخت مملکت وارد شود آنوقت يك وزرائی نباشد و شاید والا حضرت آقای نایب السلطنه هم که وضع را اینطور به بینند (و ابقاً هم گاهی مذاکرات از استعفا می فرمودند) ایشانهم استعفا بفرمایند بعضی نمایندگان مجلس هم استعفا بکنند و تربیت مملکت طوری بشود که نه نایب السلطنه و نه وزیر و نه مجلس بمانند در اینصورت معلوم است کسی نبود که جواب اولتیماتوم را بدهد قشون روس وارد می شود در تهران در صورتی که نه مقنن بود نه مجری و يك مخاطبی نبود که طرف مذاکره واقع بشود و معلوم است که چه حالتی داشت حالا در صورتیکه يك مخاطبی هست چه حالتی دادیم رای بوقتی که هیچ مخاطبی هم نباشد در ضمن مذاکرات آقای خیابانی گفته شد که وزراء گفتند که استعفا میکنیم و نکردند ولی کار را معوق گذاشتند اینطور نیست باز می گویم که وزراء استعفا دادند ولیکن در همان حین استعفا هم کار را معوق نگذاشتند و قبل از اینکه آنها را دو مرتبه کنار واداشتند آنها مشغول کار بودند یا اینکه خودشان را وزیر نمی دانستند باز هم با کمال جدیت برای رفع همین محظورات کار میکردند يك مطلب دیگر اظهار کردند گفتند که اگر وزراء استعفا میکردند شاید اشخاص دیگری بودند می آمدند و راههای دیگری بنظرشان می آمد و کارها را اصلاح میکردند بنده عرض میکنم اگر آن اشخاص خیلی خیلی وطن پرست بودند و يك راههای بهتری در نظرشان بود چه ضرر داشت که می آمدند به شخص بنده که وزیر خارجه بودم با کمال بی غرضی آن مطلب را اظهار میکردند و بنده هم شاید اقدام میکردم اگر مؤثر بود که مقصود آنها

هم حاصل میشد و اگر مؤثر نبود آنها هم مثل بنده پس بهتر این بود که بنده یا بوزراء میگفتند که يك چنین راهی هست برای اصلاح که شما متوجه نشده اید و ما شما میگوئیم شاید بمقصود برسید گمان میکنم که چون نیامدند و نگفتند خیلی تقصیر بود و حالا هم اگر آقای خیابانی همان راههایی که بنظرشان میرسد بگویند و بنا آنها را که می گویند راههایی بنظرشان میرسد بگویند و آنچه لازمه اقدام است بکنیم و شاید مطالبی را که آنها میگویند و راههایی که بنظرشان میرسد اگر بگویند ما بیبوده باشیم حالا بینیم رسیده ایم یا نرسیده ایم بماند اما اینکه گفتند وزراء کار را معوق گذاردند و کار نکرده اند بنده عرض میکنم که اینطور نیست برعکس است از ابتدا روسها اظهارشان این بود که در صورتی هم که اولتیماتوم قبول بشود فقط نتیجه قبول این بود که قشون از قزوین بسمت طهران تجاوز نکند و هیچ نمیگفتند و نمیتوانستیم این مسئله را از آنها بیرون بیاوریم که در صورتیکه قبول شود قشون از قزوین معادوت کند و يك مسئله دیگر هم يك توهم و يك توحش باقی بود که تقاضا های دیگری هم بشود نه اینکه و هم حرف بود بعضی مأخذها داشت که جای این بود که این توهم برود از اقداماتی که شده است در این مدت آنقدر نتیجه حاصل شده است که اگر قبول شود قشون از خاک ایران خارج شود یعنی قشونی که برای اینکار آورده اند مراجعت خواهند کرد و اطمینان حاصل شده است که تقاضای دیگری هم نخواهد بود که از برای آنها هم يك اولتیماتومی بدهند و از برای آنها هم زحمانی داشته باشیم بنده نمیگویم که بيك نتیجه بزرگی رسیده ایم و يك موفقیت فوق العاده تحصیل کرده ایم ولی همبقدر هم که نتیجه حاصل شده است تا يك اندازه قابل توجه است آقای آقا میرزا احمد گفتند مملکت مال وزراء و و کلا نیست نباید راضی بشوند که مملکت را در خطر بیندازند بنده عرض میکنم بهمان دلیلی که مملکت مال آنها نیست نباید در يك همچو موقعی مملکت را در خطر بیندازند باید فهمید که امروز در تأخیر کردن انتخاب کمیسیون از مضایقه کردن اختیار دادن بيك وزرائی از تمطیل در قبول عضویت کمیسیون مملکت در خطر میافتد یا از مقیم کردن در بيك چنین موقعی آیا از ساکت نشستن وضدیت کردن و کار را معوق گذاشتن کار اصلاح میشود مثل اینکه حالا هم همینطور نشسته و فرصت خیلی کم و وقت خیلی تنگ شده است در باب کمیسیون معروف زمينه سازی هم که آقای هشتروندی آن شب فرمودند و امشب هم باز تکرار فرمودند آنوقت هم بنده عرض کردم که کمیسیون زمينه سازی عیبش این است که وقت را تلف میکند مدتی آن کمیسیون مذاکره میکند باز همان تذکرات در مجلس در تحت مذاکرات در میاید و بالاخره يك وقتی که خیلی عزیز و گرانها است تلف میشود پس بهتر این است که اختیاراتی بکمیسیون داده شود و انگهی اینکه نمایندگان محترم رای ندادند بکمیسیون زمينه ساز این تقصیر وزراء نیست اگر رای میدادند و آن کمیسیون تشکیل میشد نتیجه آراء خودش را می آورد بمجلس و دیگر در باب چیزهای دیگر عرضی ندارم همبقدر عرض میکنم تعجیل بفرمائید در انتخاب این کمیسیون و این کمیسیون هم بایستی در يك جلسه رای خودشان را بدهند

و کار را تمام کنند برای اینکه هیچ موقع نداریم قشون روس بنا شده است فردا از قزوین حرکت بکنند یعنی يك هفته بلکه هشت روز قبل بنا بوده است حرکت کند و بواسطه اقدامات جدی که در این چند روزه شده است تاخیر افتاده است و بنا بود فردا که ۲۱ دسامبر است حرکت کنند ولی باز يك اقداماتی شده است که شاید يك ساعاتی بناخیر بیفتد پس باید خیلی خیلی تعجیل بفرمایند که شاید زودتر کمیسیون را امشب انتخاب بفرمایند و آن کمیسیون هم در بيك نشست و برخواست کار را تمام کند و نباید طول بکشد و بیشتر از این بناخیر بیفتد
رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد .
مهرز الملک - سوء تفاهمی شده است اجازه بفرمائید جواب آقای هشتروندی را بنده بدهم
رئیس - بله گویا مقصودشان این نبود حرف جناب عالی را تکذیب نکردند تصور کردند حرف ایشان را تکذیب کردند یا نسبتی به ایشان دادند یعنی نسبت عدم صحت اظهار مقصودشان این نبود مقصودشان این بود که وقتی که جای دیگر استعفا داده اند بنده اینجا استعفا بدهم .
مهرز الملک - بله مقصود این بود که این مطلب واقع شده است .
رئیس - در موضوع کمیسیون تقاضای رای مخفی شده است بایستی رای مخفی بگیریم آقایانیکه همچو کمیسیون را که چنین اختیاراتی داشته باشد که با وزراء این مسئله را تصفیه بکنند تصویب میکنند مهره سفید خواهند داد آقایانیکه تصویب نمیکنند مهره سیاه خواهند داد (شروع باخند رای گردید و آقای حاج میرزا رضاخان بقراردیل احصا نمود مهره سفید علامت قبول ۳۹ مهره سیاه علامت رد ۱۹۵)
رئیس - با کثرت سی و نه رای از ۶۰ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد حالا عده اعضاء آن کمیسیون را هیئت وزراء چطور پیشنهاد میکنند
وزیر امور خارجه - از حیث عده می فرمائید
رئیس - بله هیئت وزراء چه عقیده دارند .
وزیر امور خارجه - شش هفت نفر کافی است .
رئیس - در این باب پیشنهادی هم است خوانده میشود (پیشنهاد آقای دکتر سعید الاطباء بعبارت ذیل خوانده شد) این بنده پیشنهاد میکنم که عده اعضاء کمیسیون پنج نفر و حق داشته باشند که از خارج هم بخود منضم نمایند .
رئیس - اول رای میگیریم باینکه از خارج منضم بشود - آقایانیکه تصویب میکنند که کمیسیون حق داشته باشد که چند نفر را از خارج بخود منضم کند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد پیشنهاد شده است که اعضاء کمیسیون ۵ نفر باشد ولی آقای وزیر امور خارجه ۶ نفر عقیده دارند .
وزیر امور خارجه - من هم پنج نفر را قبول دارم
رئیس - پس همان ۵ نفر رای می گیریم آقایانیکه ۵ نفر را تصویب میکنند قیام نمایند اکثر قیام نمودند)
رئیس - با کثرت تصویب شد می خواهید کمیسیون را حالا معین بکنید میخواهید بعد از تنفس (وزیر امور خارجه باجمعی اظهار داشتند که حالا معین کنید)
رئیس - ۵ دقیقه تنفس داده میشود بعد انتخاب میکنیم .
(در این موقع که شش ساعت و نیم از شب گذشته بود رئیس حرکت کردند و مجلس ختم شد